

در صفحات دیگر این شماره:

- اخباری از کردستان قهرمان صفحه ۵
- در مورد گزارش نویسی از ناشر جنگ در میان کارگران صفحه ۳
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۶) صفحه ۱۳
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۸) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۹

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه

پیکار

۷۷

سال دوم - دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

باز هم خیانتی دیگر: بازگشت

جنایتکاران ارتش شاهنشاهی
 رژیم جمهوری اسلامی، در حکم ایران و عراق برای رسیدن به منافذ سومخود، از هر وسیله‌ای استفاده میکنند در کسارتی که همراهِ ما رژیم عراقی ارتشهای در کشور راه انداخته اند. هر چه مستخدم بعد از ورود سند ۵۹/۷/۱۷ می‌نشانند این مصاحبه‌ای در پاسخ سوال حس کاران در بردن توبه از ارتش کابری می‌دارند به حدت بقیه در صفحه ۱۶

بگذار فدائی (اکثریت) و ارتجاع درهم آمیزد و نگهبان جمهوری اسلامی گردد!...
 صفحه ۱۱

امپریالیسم آمریکا عربستان سعودی را مسلح می‌کند...
 صفحه ۱۵

در چین رویزیونیستی چه میگذرد؟
 صفحه ۱۰

مرخصی اضطراری، نامحدود و بدون حقوق برای کارگران شرکت نفت!
 صفحه ۳

اشاراتی چند پیرامون: ظهور و سقوط تاریخی حزب بعث
 صفحه ۸



حسک برای سوده‌های ایران و عراق
 فقط فلاکت و بدحالی سارمی آورد

تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم
 صفحه ۴

سرمقاله

جنگ و انقلاب

ما هست جنگ بعثت کمیسده
 ساست کمونسیتها در زمان حسک
 است. اگر حسک، جنگی انقلابی و
 عادلانه بود ساست از آن ما
 میبود و اگر جنگی ارتجاعی و غیر-
 عادلانه بود ساسی دیگر، حسک
 ایران و عراق جنگی ارتجاعی است
 زیرا طبقه‌ای کداس حسک را است.
 پس سرکرد سوزواری است، در این
 حسک سوزواری عراقی و ایران
 اهداف انقلابی محض را دنبال
 نمیکنند کداسان این اهداف
 با ایدارگویی حبه ساست احزاب
 کداسان حسن بوده‌ای، سرکوب
 انقلاب و سسیت ساسدهای سدرت
 حاکم نام بود.
 بقیه در صفحه ۲

خبرنامه جنگ

پیکار

جنگ‌کنندگان ایران و عراق
 نیز در زمانه کمونیسم را می‌کند، می‌کند،
 ساست از آن ما
 میبود و اگر جنگی ارتجاعی و غیر-
 عادلانه بود ساسی دیگر، حسک
 ایران و عراق جنگی ارتجاعی است
 زیرا طبقه‌ای کداس حسک را است.
 پس سرکرد سوزواری است، در این
 حسک سوزواری عراقی و ایران
 اهداف انقلابی محض را دنبال
 نمیکنند کداسان این اهداف
 با ایدارگویی حبه ساست احزاب
 کداسان حسن بوده‌ای، سرکوب
 انقلاب و سسیت ساسدهای سدرت
 حاکم نام بود.
 بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

پرواضح است از نقطه نظر کمونیستها شی که در دهه ۳۰ سوسیال شوینسم گرفتار نیامده اند، این جنگ تا ما دلانه از یابی شده و محکوم است. به بیان دیگر از نظر کمونیستها دور زیم جمهوری اسلامی و جمهوری عراق بنا به ما هیت خود ساستی ارتجاعی را در این جنگ تعقیب نموده و هیچ یک از این دور زیم قایل حمایت و پشتیبانی نیستند این مبتذل خواهد بود اگر گفته شود که دور زیم عراق "تجاهم" کرده و دور زیم ایران به "دفاع" پرداخته و بنا بر این حکومت ایران قایل حمایت می باشد، تنها ریز شوینستها که از ساست سوسیال شوینستی پیروی می کنند می توانند چنین استدلالی نمایند. بعلاوه این نیز مبتذل خواهد بود اگر گفته شود که دور زیم عراق "تجاهم" کرده و دور زیم ایران علیرغم ما هیت ارتجاعی خود در حالت "تداقمی" بوده و بنا بر این باید در جنگ علیه "عراق متجاوز" شرکت کرد، تنها کسانی که به دفاع طلسمی در غلطیده و منافع انقلاب را فراموش کرده اند می توانند چنین استدلال کنند. کمونیستها نقطه آغاز تحلیل خود را ما هیت جنگ و طغیان می که این جنگ را به پیش میبرند قرار میدهند و ساستها و شعارهای خود را بر اساس تحلیل طبقاتی از جنگ معین میسازند. ما می گوئیم در این جنگی که ارتجاعی است، در این جنگی که بورژوازی نوده ها را به کوبیدن سوب تبدیل می کند، در این جنگی که یکی از اهداف اساسی آن سرکوب انقلاب و تحکیم مونیسم بورژوازی است، آری در چنین جنگی بهیچوجه نباید شرکت کرد و کارگران دو کشور نباید سوب یکدیگر تیراندازی کنند. این جنگ بهیچوجه نفع کارگران و زحمتکشان دو کشور نیست، این جنگ توسط سرمایه داران دو کشور برپا گشته و امیرالیه تنها بدان دامن زده و جنگی است که هدف دفاع از میهن بورژوازی را تعقیب می نماید.

وظایف مارکسیست - لنینیست ها در این جنگ چیست؟

روشن است که وظیفه اساسی ما در قبال این جنگ تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی یعنی انقلاب می باشد. اما واضح است که این شعار انقلابی یک شعار استراتژیک می باشد و ما نباید تبدیل نمی تواند "بی درنگ" تحقق یابد، زیرا ما مع ما مواجه با موقعیت انقلابی نمی باشد. بنا بر این آنا ریشیم خواهد بود اگر بگوئیم که تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ انقلابی علیه حکومت بلافاصله امکان پذیر است. اما پورتوینیستی خواهد بود اگر در افشای بیرحمانه ما هیت جنگ، عوا مفریبی های بورژوازی و ریز شوینستها نکوشیم، پورتوینیستی خواهد بود اگر در جهت تدارک انقلاب فعالانه تر از

گذشته اقدام کنیم و پورتوینیستی خواهد بود اگر در راه گسترش جنبش و انقلاب پیش نرویم. لنین میگفت:

"ما فقط به کارگران توصیه میکردیم همه جا پورتوینیستها را با پس گردنی از خود دور کنند و با تمام قوا از نظرات و دیگر سادات اقدامات انقلابی نوده های یشتیبا نسبی نموده، آنرا حدت و وسعت دهند... دعوت به حمله "بی درنگ" امریست بی معنای و ننگ است کسی خود را سوسیال دمکرات بنا مدو بکارگران توصیه نکند که بیونند خود را با پورتوینیستها بکشد و با تمام قوا جنبش انقلابی در حال شروع و تظاهرات را استحکام بخشد و به آن عمق و وسعت دهند و بر حدت آن بیفزایند. انقلاب هیچگاه بطور کامل حاضر و آماده از آسمان نازل نمی شود و در آغاز زبیدایش تک جوشهای انقلابی هرگز هیچکس میداند که آیا این تک جوشها بیک انقلاب "حقیقی" و "تمام عیار" منجر خواهد شد یا نه و آیا چو نت منجر خواهد شد."

(پورتوینیسم و ورشکستگی استراتژیا سوال دوم) امروز اگر در کردستان فرمان مونیسم انقلابی فراهم است و می بایست به جنگ انقلابی علیه حکومت ستمگر که کم داد مه داد، اما در اکثر نقاط ایران این موقعیت وجود ندارد، توده های بسیاری در تروهم نسبت به این رژیم قرار دارند و نیروهای کمونیستی و انقلابی دارای قدرت و نفوذ نوده ای لازم نمی باشند. بنا بر این در این نقاط ساست کمونیستها اقدام ساست تدارک برای انقلاب است. کمونیستها باید بکوشند از افشای این جنگ کثیف و غیر عادلانه خرم ختم مردم را نسبت به رژیم کم برافروخته - سرکوب و دامن جنبش انقلابی نوده ها را گسترده تر سازند.

در کوه همدان دور زیم کم می تواند با تکیه بر تبلیغات سوسیالیستی خود نوده های متزلزل و نا آگاه را به سمت خود و این جنگ جلب نماید، اما بلائک جنگ بحران ساسی و اقتصادی موجود را گسترش خواهد داد. این جنگ با خرابیهای بی شماری که وجود می آورد و با احتیاجات زیادی که در زمینه خرید سلاح و تجهیزات نظامی بسیار می آورد، سیستم موجود را به سمت وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم سوبق میدهد. بعلاوه گرانسی سکاری، کمبود ما محتاج اولیه مانند نان و

رفقا! اعضا و هواداران!

هما نظور که در گذشته نیز تا کید کردیم، رفقا با بدکوشی کنید مقالات و مطالبی را که در نشریه بیکار با علامت به ستاره در انتهای آنها مشخص میشود، بشکری و بخت نما بند.

بیروزها شد!

نفت و ایجاد صفهای طولی، فلاکت و بدبختی نوده ها، آوارگی مردم منطبق جنگ زده، سرکوب با زهم بیشتر جنبش و انقلابیون و تشدید ستم و استعمار. همه و همه جز نا رضایتی و اعتراضی عمومی نوده ها نسبت به حکومت حاصل دیگری نخواهد داشت. نوده های آگاه به پیش از پیش به تعارض مستقیم تر علیه رژیم کشیده میشوند و نوده های نا آگاه به پیش از پیش به عوا مفریبی ها و دورغ - بردار زبیهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پی میبرند و پیش از پیش از آن کینه میشوند. کمونیستها با بددر این اوضاع بحرانی با تمام قوا فعالیت خود را حدت بخشند تا آن بایند از تشدید بحران جامعه و پسا مدهای ناگزیر از این جنگ تا ما دلانه بهره گیرند، اما بقول لنین:

"نه برای تحقیر بحران و دفاع از میهن بلکه به عکس برای نگان نوده ها و برای تسریع سقوط سلطه سرمایه." (هما نجا)

ضرورت تشدید فعالیت انقلابیون کمونیست زمانی دو چندان بر حتم تر می شود که به فعالیتم با ندهای ارتجاعی بخنیا رول سلطنت طلبان توجه لازم کنیم. این با ندهای مزدور امپریالیسم می کوشند تا از عوا فب جنگ و نا رضایتی نوده ها نفع گسترش نفوذ خود در میان نوده ها بهره گیرند. کمونیستها با بردن تبلیغات آگاه گران و انقلابی خود در میان کارگران و سایر زحمتکشان باید سدمحکمی در برابر تبلیغات ارتجاعی و اقدامات توطئه گرانه این با ندهای سرسپرده ایجاد نماید و چیده انقلاب را هر چه بیشتر مستحکم سازند.

آری هما نظور که مینیسم وظایف کمونیست - هادرفیال تدارک انقلاب نوده ها عظیم است: افشای سوب کاران اسلحه و سوبهای کلان که به غارت میبرند افشای بورژوازی جنایتکار و تبلیغات عوا مفریبانه آن، افشای این جنگ ارتجاعی و تسلیع این اسده در میان کارگران که نباید سوبی برادران خود اسلحه بکشند، افشای سوسیال شوینستهای خائن، پیرو و روحیه نوده ها به حول ایده انقلاب علیه رژیم حاکم، یشتیبا نی از مبارزات انقلابی جاری در جامعه و کوشش در گسترش آن تشدید فعالیت سار زمانه در میان کارگران و سایر نوده ها... آری اینها سست کار تدارکاتی منظم، مصرا نه و مداوم. بدون این اقدامات اساسی انقلاب به پیش نخواهد رفت. امروز زمینه ساعدی جهت فعالیت کمونیستها در میان طبقه و نوده هافرا هم است، کمونیستها باید با تمام قوا و بر اساس فعالیتی نقشه مند از این شرایط استفاده کنند. آنان با بدنا رضایتی ها و اعتراضات ناشی از این جنگ ارتجاعی، را سکوی پرشی برای دامنه بخشیدن به جنبش انقلابی سازند و شعله های خشم مردم به فلاکت کشیده را به لهیب انقلاب فردا تبدیل نمایند. ■

توطئه های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

جنبش کارگری



در مورد گزارش نویسی از تأثیر جنگ در میان کارگران

رفقا! در شرایطی که جنگ ایران و عراق ، مسئله محوری واحد روز است و بنا بر این افشای ماهیت ارتجاعی این جنگ ، اصلی ترین وظیفه روز ما کمونیستهای راستین است ، تهیه اخبار و گزارش از تأثیرات جنگ در اقشار و طبقات مختلف جامعه و بویژه و در حد اول در طبقه کارگر ، از نخست تا پایتختی برخوردار است ، از این رو رفقا با صدور مسندهای زیر مطالب خود را برای ما ارسال دارند

- ۱ - اخبار مربوط به تأثیر جنگ در میان کارگران در معیشت و تحولاتی که در رابطه با اوضاع کار و زندگی آنان بوجود آمده است (بالاترین ساعت کار افزایش تولید یا تعطیل کارخانه ، بستن کارخانه کارگران ...)
 - ۲ - گزارش از موضع سیاسی کارگران نسبت به این جنگ و علل آن
 - ۳ - برخورد کارگران با انقلاب و کمونیستها در رابطه با جنگ
 - ۴ - برخورد کارگران با دولت ، سیاستمداران ، سنی صدر ، آیت الله خمینی
 - ۵ - میزان تسلط و تحکیم در میان کارگران ، عکاس آنها و میزان آمادگی پذیرش اسلحه ، تسلط از سوی آنها
 - ۶ - میزان افزایش و یا کاهش سوخت کارگران نسبت به قیمت حاکم
 - ۷ - میزان کنش تظاهراتی ها ، تشدید فشار ، اعتصابی ، احضاری ... در میان کارگران
 - ۸ - برخورد کارگران با مردم مناطق جنگ زده که کوچ کرده اند
 - ۹ - عملکرد کارگران در مورد محمول و «بکل» تحریر - یا مدحک
- رفقا مینوایند همین شواهد را در رابطه با اقشار و طبقات دیگر جامعه نیز با هم بگویند ، رفقا! در ارسال اخبار و گزارشات ، هر چه فعالیت ترو سرعت بکنید ، موثر بود اخبار ، داخلی یا خارجی بودن آنها را مشخص کنید ،
- بسرور باشید!

مرخصی اضطراری، نامحدود و بدون حقوق برای کارگران شرکت نفت!

شرکت ملی نفت مناطق نفتخیز ، اخیراً بخشنامه‌ای صادر کرده است که برطبق آن ، تعلیق تعطیلی شرکت ، کارگران میبایست تقاضای مرخصی اضطراری بنمایند که نسبتاً بعد از اتمام مرخصی استحقاقیشان ، بدون حقوق خواهند ماند و علاوه بر آنکه این مرخصی نامحدود بوده و با خواست شرکت بسترسازان نخواهند گشت . اینست نمونه دیگری از اعمال ضد کارگری دولت جمهوری اسلامی که اینقدر سرک مستمعان را به سینه میزند! در شرایطی که فشار کمربند و خاسمان برانداختن کمربند نیز از هر زمان دیگر زنده گویی کارگران و خانواده‌ها را تهدید میکند ، دولت حامی سرمایه‌داران نیز ایچمن با کارگران رفتار میکند!

دو نمونه از نامه‌های اعتراضی کارگران شرکت نفت که به مدیران ارسال شده است. هر دو نامه با سرآوردن «شرکت ملی نفت ایران» و «دولت جمهوری اسلامی» شروع می‌شود. متن نامه‌ها در مورد تعطیلی شرکت و عدم پرداخت حقوق و مزایا در زمان تعطیلی است.

هیئت امنای امامزاده هاشم از خون کارگران صورت خود را سرخ می‌کند

چندی پیش عده‌ای از کارگرانی که روی ساختمان های جدید برای مسافران ، در امامزاده هاشم کار میکنند اخراج شدند ، علت اخراج آنها این بود که بعد از مدتی که در آنجا کار میکردند ، خواهان دفتر جدید می‌بودند ، آنها ابتدا با هیئت امنای امامزاده صحبت میکنند که بعد از شنیدن جواب منفی با استنادی وزارت کار میروند که بعد از مدتی زیاده‌ترت بیعه تقاضای لیست کارگران را از هیئت امنای آنها می‌کند ، ولی هیئت امنای امامزاده این بیانه که " اکثر امروز کارگران را بسمت کم‌فردا خواهند بست" خواهد هتدانت لیست راندا بعد از مدتی برای فیصله دادن قضیه تعداد ۵۲ کارگر اخراج کرد ، بله ، هیئت امنای امامزاده که از تقاضای هم اسلامی است و بول نذرونیار مردم را بلامتکشد از ترس کم‌شدن مفت خویش حق کارگران را کسد نمیدهد ، هیچ آنها را از کار بیگانه نمیکنند .

کارگران بیکار رشت همچنان بدنبال کار!

کارگران بیکار رشت وجود که در زمانه‌ها نبودند با بدست‌آوردن دستکوب شده است ، اجسوا برای ادا مدعا ، روزه در حقشان یک سورا در دست کرده اند ، آنها هر هفته یکسندها و چهارشنبه‌ها جلوی اداره نیروی انسانی جمع شده و در سارده حقوقشان و نوظلتهای استنادی و دولت سر علیه کارگران بیکار صحبت میکنند ، هفته گذشته از جلوی اداره نیروی انسانی با استنادی را هیئت امنای کردند و خواهشهای ۱ - کسار استخدامی ۲ - در صورت نبودن کار حق بیمه بیکاری ۳ - ... را مطرح کردند .

کارخانه‌راف:

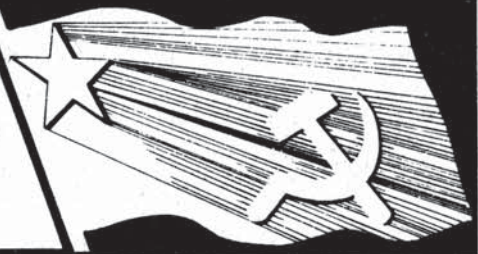
دو هفته قبل مدیر عامل کارخانه یکی از کارگران را اخراج میکند در اثر اعتراضی و بیکاری کارگران و شورایشان به سرکار بازمی کرد ، همچنین کارگران در جواب درخواست اداره کار را بمنتظر فرستادن نماینده‌ای از کارخانه برای هیئت حل اختلاف ، گفتند که تنها نماینده ما شورای ما است و هرکاری دارد باید با او صحبت کنید .

اخراج کارگران شرکت سادلمی

شرکت سادلمی (sadeimi) که یک شرکت استانی است و برای توانسیرکار میکند ، روز پنجشنبه ۲۹/۷/۷۷ تمام کارگران خود را اخراج کرده و دلیل آن را ترک کارکنان استانی آن اعلام نموده است .

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

سراغاز

مبدأ آنست که کمونیست‌ها وظیفه رهبری مبارزه طبقه کارگر تا رسیدن به یک جامعه طبقاتی (کمونیستی) را دارند. برای انجام این رسالت کمونیست‌ها بکسری وظایف عملی (پراتیک) و تئوریک با بد انجام دهند.

انگلس یکی از معلمین کبیر طبقه کارگر "مبارزه طبقاتی را با سه بعد اقتصاد - سیاسی و تئوریک تعریف میکند" (نقل از جه با بد کرد لنین) کمونیست‌ها برای پیشبرد این مبارزه طبقاتی می بایست وظایف عملی تبلیغ و ترویج و سازماندهی را به انجام برسانند. تا بداند است همانطور که ابعدا ده کاسه مبارزه طبقاتی، ارتباط جدایی ناپذیری با یکدیگر دارند و سرنگندگی یکدیگر منوط است. وظایف عملی کمونیست‌ها (تبلیغ، ترویج، سازماندهی) اینها را یکدیگر مرتبند.

پس تبلیغ بعنوان یک ابزار در مبارزه طبقاتی بیولنا را عمل میکند. تعریف تبلیغ را از زبان لنین با زکومی کنیم: "تبلیغ در بین کارگران عبارتست از اینکه سوسال دموکرات‌ها در تمام مظاهر خود - بخودی مبارزه طبقه کارگر و در تمام مظاهر تمام دما تنگه کارگران با طرز کار، مزد، کار، شرایط کار و غیره و غیره با سرمایه داران پیدا میکنند، شرکت ورزند، و طبقه ما از این لحاظ عبارتست از آنکه فعالست خود با مسائل عملی و روزمره زندگی کارگر، کمک به کارگران برای اینکه ذهنشان در این مسائل روشن شود... سوسال دموکرات‌ها ضمن اینکه بین کارگران بر زمینه خواستهای فوری، اقتصادی تبلیغ می کنند، در عین حال تبلیغ بر زمینه احتیاجات سیاسی فوری، بدیختی‌ها و خواستهای طبقه کارگر، تبلیغ بر ضد تعدیات پلیسی که در هر اجتماع و در هر یک از تمام دما کارگران با سرمایه داران بروز میکند... خواه تبلیغات اقتصادی و خواه تبلیغات سیاسی هر دو بیولناست برای

سطح تصور طبقاتی بیولنا را ضروری می - با سند. چه تبلیغات اقتصادی و چه تبلیغات سیاسی بطوریکسان برای رهبری مبارزه طبقاتی کارگرو سوسال دموکرات‌ها (لنین، و طائف سوسال دموکرات‌های روس) لنین در جای دیگر بیورت تبلیغ را چنین بر می شرد:

"فعالیت‌های تبلیغی بین توده می بایست از وسیع ترین کیفیت، از عمق اقتصادی و سیاسی، برخوردار بوده در باره کلیه مسائل ممکن، ونست به جمیع مظاهر جنبش کارگری - همه اشکال کونا کونی که بخود میگردند، صورت پذیرد. از این تبلیغات می بایست

برای جلب هر چه بیشتر کارگران به صفوف حزب سوسال دموکراتیک انقلابی استفاده کرده، مبارزه سیاسی بهر نوعی که ممکن است را تشویق نموده (تا کیدازماست) و سازمان داده آن را از شکل خود بخودی خارج ساخته و به مبارزه یک حزب سیاسی واحد تبدیل سازیم. از اینرو، تبلیغ میبایستی بمناسبت مبارزه (تا کیدازماست) جهت گسترش هر چه وسیعتر تعرض سیاسی و اشکال متنشکل ترم مبارزه سیاسی بکار برده شود. (لنین، گزارش فقهراشی در سوسال دموکراتی روسیه، صفحه ۴۸)

پس مسئله روشن است، کمونیست‌ها چون معتقدند که انقلاب کار توده‌هاست و استقرار سوسال لیم محصول خلق مبارزات انقلابی کارگران، بدین ترتیب برای تحقق آرمانشان، به توده‌ها متکی میشوند، به میان آنها میروند تا مبارزات طبقاتی را راهبری کنند و آن نیروی عظیم و لایزال توده‌ها را در جهت تحقق انقلاب و سوسال لیم بکار گیرند. تا زمانیکه سوسال لیم علمی با مبارزات توده‌ها درهم نیا میخته است فقط سباهی روی کاغذ است. اما زمانیکه به میان توده‌های وسیع رفت، به نیروی مادی بدل می - شود و نظام کهنه طبقاتی را متلاشی میسازد. سپس وظایف عملی کمونیست‌ها در جهت آنست که تئوری طبقه در صفا ۱۵

سخنی با گزارشگران پیکار

رفقا! پیکار "تلاش دارد در جهت خطی کده سه سازگی دنبال کرده است، یعنی ایفای نقش تبلیغی، هدایت کننده و ارتقا دهنده سازمان - دهی مبارزات توده‌ها و... ارتباط وسیعی را با بخشهای کونا کون سازمان، هواداران و کارگران و زحماتکنان بوجود آورد و احیاناً بخشی را ایضا کند که بتواند "مجموعه پیکار را سرنگاه بگیرد" و آنرا در بین توده‌ها افشا سازد. این کار بیودون همکارانی فعال و موثر کلدرد و هواداران غیر ممکن است!

"پیکار" علاوه بر خبرنگاران حرفه‌ای که بوجود آورده است با بد خبرنگاران غیر حرفه‌ای استعداد هزاران نفر داشته با شقیول لنین "یک ارگان وقتی زنده خواهد بود و قابلیت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنج دیر روز - تا مهنگار سیاسی که مرتباً به قلمزدن می پردازند با نصدای پنج هزار همکار بوجود آید که بهیچوجه نویسنده نباشد!" در رابطه با این امر هر یک از رفقا با بدهمواره ما ننندیک خبرنگاران از واقع و اخباری که در دوردور برشان میگذرد، خبر و گزارش (ونه فقط خبر و گزارش، بلکه مطالب افشاگرانه هنری، ترویجی و...) تهیه کنند و آنرا برای

- بکار بر سرستند.
- برای سازماندهی ارسال خبر و گزارش... در تشکیلات تمامی ارگانها (هسته‌ها و حوزة‌ها) با بد خبرنگاران خودشان را مسئول تهیه خبر و گزارش و... برای "پیکار" نمایند تا از این طریق هیئت تحریریه منتخبتترین ارتباط را با توده‌های سازمانی و هواداران و فعالیت آنها در میان توده‌ها داشته باشد.
- وظایف مسئولین گزارشگر بیکار در جمع‌ها:
- ۱ - جمع آوری کلیه اخبار و گزارشات روزمره که از طریق رفقا بدستشان میرسد و ارسال آن به "پیکار"
- ۲ - تدوین اخبار و گزارشات و جمع بندی تحارب مبارزاتی و رهنمودهای درباره موضوع خبر و گزارش و ارسال آن به پیکار
- ۳ - جمع آوری کلیه نامه‌ها و انتقادات و پیشنهادات و اردیه بیکار و ارسال آن برای پیکار
- رفقای هیئت تحریریه، هر چند بیکار با این رفقا جلسات هماهنگی گذاشته، رهنمودهای در مورد نحوه فعالیتشان ارائه خواهد داد و پیشنهادات و انتقادات متقابل را بررسی کرده و از این طریق ارتباط نزدیکی با خبرنگاران غیر حرفه‌ای برقرار نمایند.

پیروز باشید!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خاطرات یکه سرباز (۸)

زحمتکشان و پیکارجویان
سراسر جهان باید دیگر برادرنند

۱۵ اردیبهشت

ساعت ۸ و چهار دقیقه صبح

کتابی که خواندم - چگونه فولاد آبدیده شد، تا شیر عمیقی در روحه من بحا کد آمده است. از آنجا که نیکلای آستروفسکی، داستان زندگی خود را در این کتاب بیان کرده است در قلمم احترام عمیقی نسبت به او احساس می کنم. شکر فترین مخلوق هنر در دوره انقلاب، مردانی هستند که او در کتاب آورده است. کتابی که زندگی خود را تصویر می کند. او می گوید: برای من، سرودی بیش از نادای پیکار با خاطر سعادت زبانی نوع بشر نیست.

همه چیز در نیکلای (گورجا کین) آتش تلاش و مبارزه و پیکار است، و این آتش بهمان اندازه که شب تاریکتر میگردد و مرکب سینه او را به آغوش دهنش از خود می کشاند، شعله و رنر و سوزان تر میگردد.

پیری که در سالن پر زحمت کودکی از سر - کدشت دلورا نه "کار سالدی"، بهرمان کتاب "خرمکی" الهام میگردد و سعی میکند که ما نندا و قهرمانان زندگی کند. پیری که دریا زرده سالکی در سوره نظام بورسوی بدین می تازد، سختی زخمی میگردد و سیر از آن دچار بیماری شدید حصه میشود. او هر بار بر خطر سختی نا پذیری سه پیکار بر میخیزد و دوبه دهنوارترین و پر خطرترین جنبه ها میروند. جوانی که پس از آن سبب بدیدن سون فقراتش، سنا ثی خود را از دست میدهد و با فلج شدن دست و پایش، ناچاره دیدن کردن مطالبش میبرد از دوبه پیکار نورانی کجروحیش با کلام آتشین ادامه میدهد. سنا ط و خوش بینی

کیلو ۵۰ تومانی، فندک بیلوشی ۱۵ تومانی و سخم مرغ کیلو ۴۵ تومانی و... بفروش میرسد. روستا - های این شهرها نیز در رفتار و محاصره سر میبرند و نیز وجود آوارگان شهرهای بمباران شده و کمبود کالاهای و گرانی بیش از حد کالا، قدرت خرید نا چیز مردم، شرایط زیستی طاقت فرسائی را بر مردم روستای کردستان قهرمان تحمیل میکند اینها نمونه ای از نتیجه "عدل اسلامی" رژیم جمهوری اسلامی است که سزور سرنیزه و ۳- و توب و تانک بر زحمتکشان کردستان تحمیل میشود ولی خلق قهرمان کرد علی رغم شرایط طاقت فرسائی زندگی و در زیرتپا محو حشمانه رژیم، حماسه ها آفریده یا بیداری میکنند



با چشم باز
در افق خونین
کردستان

خسکی با سدر او را سرتا رسا زده است. این ساد و سروروی را با مبارزان دیگر، با همه مرد روی زمین که پیکار میکنند و به پیش میتا بدینوند میدهد. او این چنین میفرود: آه - کاش من آنچه را آنها دارند، می داشتم: سلامتی، امکان حرکت در این جهان سبکران - او، من بخوسر سندی و تا سرحجسون، زندگی میگردم. او معنای زندگی را در مبارزه میداند و جان سعیده خویش را در این راه مایه میگذارد.

آفتاب روشنی بختی که از درون این اثر انقلابی می تابد، سرتا زوات سرخسنا نه خلق بزرگ کرد که در پیش چشم جاری است، پرتومی - افکند و آن را واضح تر در نظر می آورد. آری زحمتکشان و پیکارجویان سراسر جهان باید دیگر برادرنند. دلشان یکی است و عشقشان یکی: رها ثی بشریت از ظلم و جور.

۱۵ اردیبهشت

نبا است. امروز هم حرکت نکردیم و ساعتان ما نند همیشه گذشت چه ساد عمر می گذرد. دیدن سنا ز صغی، یک بحث طولانی داشتم بعد از مدتی به نقاط مشترکی رسیدیم. او عقیده دارد که مذهب عامل خوشبختی بشریت است و اسلام تنها ایدئولوژی است که میتواند بشر را به جایی دلدخواست برساند. اما ما باید دیگر افکار مشترکی سزدا رسم که در بحث توانستیم به آن دست یابیم بحث ما منطما شروع شد و اینطور پیش رفت: ابتدا دوطبقه ای که همیشه در تضا دهستند و در تمام جوامع وجود داشته اند، بقول او: ظالم و مظلوم مشخص کردیم. آنکه در جایی که سرتا به داری این دوطبقه مهم را که آشتی نا پذیرند سنا سستی نمودیم و مشاهده کردیم که این دوطبقه در حال



مبارزه با یکدیگر هستند. به توضیح مبارزه طبقاتی رسیدیم. اما پیش از آن ما لکبت ابزار تولید مورد بحث قرار گرفت و اینکه تمام طبقات در رابطه با جایگاه انسان در مناسبات تولید مشخص میشود. بعد از این مقدمات که بر سر آن توافق کردیم، به این نتیجه رسیدیم که برای مبارزه، رگران و زحمتکشان با سرتا به داران یک ایدئولوژی و دستگاه رهبری کننده مستحکم لازم است. در اینجا دو نقطه نظر دیدیم: ما دو این مسئله مطرح می شد که آیا مذهب می تواند این نقش را بازی کند یا نه؟ من گوشتیم تا بحث را خاتمه دهیم، چرا که معتقدم چنین بحثی در زمان حاضر کمک به ما نخواهد کرد. همینقدر خوب است که ما بر سرتا مبارزه در روی زمین با یکدیگر توافق داریم. اتفاق نظر بر سرتا مثل آسمانی گویم اند تا بعد!

امروز دندان درد عجبی داشتم که حوصله خواندن را از من میگرد. از سوی دیگر دلیم سخت هوای دوستانم، برادرا نیم خوا نموده ام را کرده است. امیدوارم هر چه زودتر این ما موریت لعنتی خاتمه یابد.

۱۶ اردیبهشت

امروز صبح دستور حرکت رسید. ساعت ۸/۵ صبح با تمام تجهیزات به خط شدیم تا معاون لشکر از ما باز دید کند. او در سخنرانی کوتاه خود گفت که در با نه جنگ است و مدت اقامت ما در آنجا معلوم نیست.

پس از سخنرانی، با تمام وسایل - سنا فرودگاه رفتیم. در میدان غوغائی بسیار بود. هلیکوپترها در رفت و آمد بودند. پس از یک ساعت ۴ هلیکوپتر فرود آمدند و بار خود را خالی کردند. هنوز در هلیکوپترها جا بجا شده بودیم که یک خمپاره به وسط میدان افتاد. هلیکوپترها بسرعت روشن شدند و به پرواز درآمدند. سرتا ز کوههای زیبای کردستان پرواز می کردیم. کوهسارانی که با کئی وصفای خلق کرد را دارند و استحکامشان سر سختی و استواری مبارزان کرد را تداعی می کند. در سقز، کناربا دگان فرود آمدیم. با رها را خالی کردیم و هلیکوپترها، با ردیگر به پرواز درآمدند. در اطراف ما حناب و جوش زیبای چشم میخورد. به پادگان وارد شدیم و در آنجا با نگاه جا گرفتیم. بعد از مستقر شدن، خبرها را شنیدیم: سقز آرام است. با نه خیلی شلوغ است و هلیکوپتر بعلت تیراندازی شدید قاربه فرود آمدن نیست تپه های اطراف پادگان با نه در دست پیشمرگه - هاست و پادگان در محاصره است. با چترجات آب و غذا به پادگان میرسانند. بعد از ظهر هوا بیامنی آمد و چند چتر بزرگ با خواربا رومها ت به پادشین انداخت. در پادگان و فرودگاه همه چیز در حرکت است انتظار و اضطراب بر همه جا سنا افکنده است. (ادامه دارد)

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

پایان تحصن کارگران شهرداری و نتایج آن (مسجد سلیمان)

"مبارزه استنادار جمهوری اسلامی با امریکا و عراق چگونه است؟"

معادن و ما ه شاه عباس سراوان در اختیار استناداری قرار داده بوسیله کمیته بهره برداری از معادن آنرا میگردانند. مدت یکسال است که این معدن مشغول کار است و هر ماه مبلغی را بعنوان حق بیمه و مالیات از حقوق کارگران کسر کرده اندولی هنوز از دفترچه بیمه خبری نیست. کارگران مدتها پیش شورا تشکیل دادند تا بتوانند برای حقوق خود از جمله دفترچه بیمه و حق اولاد و مسکن و... مبارزه کنند. آنها چند بار به استناداری رفتند ولی هر بار بیعت نشناختن ما هبت فدکا رگری استنادار فریب وعده و وعده های او را خورد به سرکار باز می گشتند. تا اینکه در شهریور ماه استنادار معدن را بیک نفر بونانی بنام "مارکویولو" واگذازمیکنند. با آمدن این خارجی کارگران روز مزد و پیمان می شوند در نتیجه به تنها خبری از دفترچه بیمه کارگران اعتراض می کنند و میگویند لا اقل پول یکسال بیمه و مالیات ما را پس بدهید. ولی استناداری و کمیته بهره برداری آنرا بالا کشیده بودند. بنا بر این کارگران دست به اعتصاب زدند و تا الان هم مشغول اعتصابند.

کارگران از این موضوع چند چیز را می آموزند: اول اینکه برای کارگر فرق نمیکنند کارفرمایش ایرانی باشد یا خارجی، دولت باشد یا یک نفر سرما به دار، هر چه باشد دشمن کارگران است، همانطور که کارگران هم دشمن سرما به داران و دولت حامی آنها هستند و برای دولت هم فرق نمیکنند که کارگران بوسیله چه کسی استعمار میشوند. حال میتوان بخوبی قضاوت کرد که آیا این دولت و استنادار هستند که علیه آمریکا مبارزه کنند و کارگران ضداقلابند یا اینکه برعکس؟

نا گفته نماند که در این میان حزب خاشن بوده که همیشه با اسم کارگر برضد کارگر مبارزه می کند در روزنامه اش تمام کارهای استنادار را تا شید کرده و اطلاع حرفی از مبارزات برحق کارگران نمیزند و بالا کشیدن پولها بوسیله استناداری و کمیته بهره برداری را بهره بوشی میکند.

زیر خلاصه نمود:

۱- هیات نما بندگی برای ادامه مبارزه کارگران برنا مه مشخصی نداشت و تقریباً بطور خود بخودی و بدستال حوادث حرکت میکرد. این هیات نتوانست از انکال و نا کتیکهای مبارزاتی استفاده کند که در نتیجه منجر به یکنواخت شدن شکل مبارزه و سر خوردگی کارگران گردید.

۲- هیات نما بندگی نتوانست با تسلط همه جا نبه بکارگران نظم آهمن بدهد و با تکیه به توده ها و با برنا مه ای از پیش تدوین شده آنها را وسیعاً مبارزه گشا نده و هدایت کند. زاینسرو هیات نمایندگی تبدیل به یک هیات روغنی گردید از توده گردید که هر چه زمان میگذشت فاصله آنرا کارگران را دوزخا دتر میشد. این عدم تسلط و بیگانگی با توده ها را میتوان در شکل تجمع کارگران در محل تحصن دید.

کارگران در محوطه نسبتاً بزرگی از باغ شهرداری جمع بودند ولی هر چند نفر از آنها در گوشه ای با هم حرف میزدند و کمتر کسی توجه به سخنرانان میکرد. خلاصه سوعی پراکندگی و عدم شکل در میان کارگران حاکم بود که یکی از دلایل بی وفایتی دم فزون کارگران نسبت به تحصن و دلسر شدن آنها در همین مسئله باید جستجو کرد.

۳- عدم افشاء قاطع و همه جا نبه هیات حاکمه فدکا رگرو سیر عدم افشای سیاستهای سازشکارانه برخی تکمسن ها و سرکار کارگران هوادار فدا شیان (اکثریت) هیات نما بندگی دقیقاً اطلاع داشت که در میان تکمسنها تعدادی عناصر سازشکار وجود دارند که مرتب در حال سمپاشی و توطئه - جنی دزین کارگران میباشند.

این هیات همچنین میدانست که یکی از این عناصر سازشکار، بعد از ظهرها کارگران قسمت "میدستگاه" را جمع کرده و در میان آنها تبلیغ میکند که: "ما در حال مبارزه فدکا میریا لیستی هستیم، تحصن خدمت به میریا لیسم است و...". با اینهمه بیعت نزلات خود با این مسئله بر خورد قاطع نکرده و حتی گاه گاهی تسلیم سیاستهای سازشکارانه آنها میشد.

۴- سیاست عقب نشینی فرا گونه بعضی از نما بندگان و رها کردن کارگران بحال خود. بعضی از نما بندگان در هفته آخر تحصن بجای عقب نشینی تا کتیک و حفظ تماس خود با کارگران و دادن رهنمود برای ادامه مبارزه شان بیک عقب نشینی استراتژیک دست زدند و بطور کلی صحنه مبارزه را برای نا خت و تا ز هواداران (اکثریت) خالی گذاشتند. که نتیجه آن منجر به شکست تحصن کارگران گردید.

بدستال حمله پانداران سرما به به تحصن کارگران شهرداری مسجد سلیمان در روزهای اول شهریور ماه و دستگیری چند تن از نما بندگان آنها و نیز بیعت طولانی شدن تحصن و سمپاشیهای روبرو نیست ها در میان کارگران و همچنین ضعف نما بندگان در رهبری و هدایت تحصن، هر روز از تعداد متحصنین کاسته میشد، تا جاییکه در روزهای آخر تعداد کارگران بیکه در تحصن شرکت میکردند از صد نفر کمتر بود (کارگران تحصن را با حدود ۵۰۰ - ۴۵۰ نفر شروع کرده بودند) و این زمینه مناسبی بود برای سرکار کارگران و تکمسن - های سازشکار (هوادار س.ج.ف. اکثریت) تا مبارزه کارگران را به انحراف و سازش بکشاند. سرانجام کارگران در تاریخ چهارشنبه ۱۲ شهریور ماه در حالیکه کمتر از ۵۰ نفر بودند طی مذاکراتی با مقامات شهرداری به تحصن خود پایان دادند، بدون آنکه بنوا سنده خواستهای اصلی و اساسی خود که بازگشت به کارور رسمی شدن بوده است، با بند آنها فقط توانستند ۱۸ روز حقوق (مدتی که تا قبل از تحصن کار کرده بودند و شهرداری حتی حاضر به پرداخت آن نبود) و نیز مالی ۴۵ روز بعنوان سابقه دریافت نمایند.

جمع بندی حرکت کارگران

تاریخ مبارزاتی کارگران در سراسر جهان و بویژه در کشور ما نشان داده است که هیچ حرکت مبارزاتی بدون داشتن تشکیلاتی منضبط و آهمن و بدون برنامه ای دقیق و روشن که با دینظم گرفتن روحیه، سطح آگاهی و سایر شرایط کارگران مشخص شده باشد به پیروزی نخواهد رسید. و این دو عامل (برنامه و تشکیلات) آن ابزار لازمی بودند که کارگران شهرداری از آنها محروم بودند.

کارگران مبارز شهرداری که در طول یکسال گذشته دست به مبارزات ارزنده ای زدند و عناصر آگاه و انقلابی نسبتاً زیادی در میان آنان بود نتوانستند از حرکت های گذشته خود درس گرفته و تشکیلات خود (شورا و...) را پی ریزی کنند. این کارگران در همین ماه گذشته بعد از طی یک پروسه چند ماهه یک هیات نما بندگی از بخشهای مختلف انتخاب نمودند. این هیات نما بندگی با توجه به ترکیب در مجموع مبارز و انقلابی نتوانست با افشاء مواضع سازشکاران ما هبت ارتجاعی رژیم کاموا تکا به نیروی کارگران و ارتقای آگاهی آنها آنان را بسیج و متشکل نماید.

هیات نما بندگی با سیاستهای گاه "چی" و گاه راست بطور خود بخودی و بدستال کارگران و نودر پیش و در کنارت آنها لنگان لنگان حرکت میکرد. ضعفهای این هیات را میتوان بصورت



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اشارات پیچیده پیرامون: ظهور و سقوط تاریخی حزب بعث

بدنبال انتشار دو مقاله، یکی درباره واقع اقتصادی عراق (بیکار ۷۵٪) و دیگری درباره عملکردهای فاشیستی رژیم بعث عراق (بیکار ۷۶٪) در این شماره نکاتی را پیرامون حزب بعث مطرح میکنیم، با پوشش از اینکه صفحات محدود نشریه ما اجازه پرداختن تفصیلی به این موضوع را نمیدهد و ناگزیر مطلب را با اختصاری که چسبیده به جهت آن لطمه میزند، می آوریم و به رفا توصیه میکنیم که برای غنی تر کردن دانش سیاسی خود تحولات نیم قرن اخیر در عراق و رفا نه را مورد مطالعه قرار دهند، زیرا با عنقا دما سرنوشت جنش دموکراتیک و ضد امپریالیستی و نیز جنبش کمونیستی در مین ما با آنچه بویژه در کشورهای دیگر منطقه مکزدر، رابطه ای تنگنا شک دارد.

ویژگی فکرمونیستی اندیشه بعث که ابتدا فقط رنگ انتقاد از تجربه سوسیالیسم در اتحاد شوروی (زمان استالین) را داشت و تحت تاثیر نوشته فکرمونیستی آندره زید (با زکشت از شوروی) بود، در مسیر انحرافی و راست خود منجر به این شد که حزب بعث عمیقاً بر ضد منافع واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان عرب و در خدمت بورژوازی و امپریالیستها درآید. (۲)

"حزب بعث عربی" رسماً در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدتی که بین این حزب و حزب دیگری با همین ماهیت بنا م "حزب سوسیالیست عربی" به رهبری "اکرم حورانی" بوجود آمد بنا م "حزب بعث عربی سوسیالیستی"

نا میده شد. این اسم دهان برکن، اسمی بسیار بی معنایست چرا که این با ندتوظنه گر، نه بعث به معنی "رستاخیز" ملت عرب، بلکه بمعنی سرکوب آن است. همچنین در خدمت ملت عرب که تحت سلطه امپریالیسم است نمییابد. و با لاجرم سوسیالیستی هم نیست بلکه بورژوازی میباید

ضعف تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی که ناشی از شرایط اقتصادی حاکم بر مناطقی عربی و سونپا شیب و ابتدائی بودن عنصر آگاه است کستردگی وسیع اقتار خرده بورژوازی، تفرقه و پراکندگی شدید در جامعه عربی که ناشی از عقب ماندگی مناسبات اجتماعی است اختلافات و زدو خورد های قبیلگی را بطور بارزی در درون خود حفظ کرده است. و دخالت های بی حساب

(۲) - تا بان ذکر است که در ایران نیز یک جریان انحرافی و راست تحت تاثیر اندیشه های همین کتاب در درون حزب توده در سال ۱۳۲۵ به بعد بوجود آمد. خلیل ملکی و جلال احمد و ... از حزب توده اشعاب کردند. آل احمد کتسبا ب آندره زید را ترجمه کرد. زید پس از سفری به شوروی سفری به بازگشت از کشور شوروی و نیز از سوسیالیسم شوروی را نوشت. این گزارش راست به اندرترا سیونال سوسیالیست که کرایسکی

کلدا ما پروپولسون انگلیسی در اس آن قرار دارند پیوند میخورد. و بعد ها به حمایت از اصطلاح سوسیالیسم نوع دو بچ در چکسلواکی میا نهاد اصغراج سید جواد و آل احمد و دیگر نویسندگان ایرانی که با آنان همفکر هستند، اندیشه آندره زید و بعد دو بچ رو بیو نیست را "سوسیالیسم انسانی" اصطلاح کردند. گویا اگر سوسیالیسم بر اساس ماهیت اصیل خویش، بورژوازی را زیر ضربات خود قرار دهد "غیر انسانی" میشود! اینگونه اینگونه نویسندگان نظیر آندره زید آثارشان بوفور در دوره شاه بفروش میرسد آیا علت "محبوبیت" جلال آل احمد و برخی آثار او در دوره جمهوری اسلامی ناشی از همین ضدیت با سوسیالیسم و همین نقطه مشترک راست نیست؟

روشنفکری - نیمه سیاسی (که ما از برنا مه دقیق کارنا ن اطلاع نداریم) تشکیل میدهند و در سال ۴۱ اولین اعلامیه خود را که حاوی انتقادانی به حاکم وقت سوریه (دست نشانده فرانسه) بود منتشر می نمایند. علق در دوران دانشجویی در فرانسه، با برخی افکار سوسیالیستی آشنا شده بود و از طرف دیگر به سونالیسم بورژوازی مبتنی بر نظریات فلاسفه آلمان دهه ۱۹۳۰ دلستکی داشت. او میگوید:

"ما از فلسفه آلمان چنین آموختیم که چیزی زرفتر از بیسما مدهای سونی وروا بیست اقتصاد کرداننده حرکات تاریخی و تکامل اجتماعی است و این بود که جهان بیسی ما تریالیستی ما را تعیین کرد. (۱)" او "سونا لیسم" را یک واقعیت جاودانه سببندارد و شعار معروف حزب بعث را که میگوید: "یک ملت عربی دارای رسالتی جاودانی است" مطرح میکند.

اندیشه "بعث" تمیل یک اندیشه انتقاطی است. در این اندیشه بریده هائی از ما تریالیسم مکالیستی یا او ما سونالیسم فراطی (که به حد سونالیسم می رسد) و آنکه باره هائی از اندیشه های سوسیالیستی خرده بورژوازی و ایده آلیستی در هم آمیخته و ملغمه ای تا همگون و سیال آفریده است. این اندیشه انتقاطی عجیب که زاده شرایط اجتماعی آن روزها سوریه و کشورهای مشابه عربی و موضع روشنفکران طبقه متوسط است و حشت از رشد جنبش انقلابی توده ای و کمونیستی را بنحوی بارزی در خود نهفته دارد. میشل علق در مقاله ای با مجله آفاق عربیه - نشریه ثنوریک حزب بعث عراق - آوریل ۷۷ تا کید میکند که "ما با پیدائش ترناتیوی در برابر کمونیسم میا خیم تا جوانان عرب بدن سمت کشیده نشوند. زیرا کمونیسم تنها آلترناتیوی بود آ اندیشه های که نه نمیتوانست آن را بسوی خود جلب کند."

(۱) - درخا و رفا نه چه گذشت: ترجمه م. ح. روحانی.

با سقوط امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، امپریالیستهای اروپائی میراث آنرا چون گوشت فربانی بین خود تقسیم کردند. قسمتهای جنوبی سرزمینهای عربی یعنی مناطق خلیج فارس، عراق، اردن، فلسطین، و مصر به انگلستان و لبنان و سوریه به فرانسه رسید. مناطق دیگر عربی مثلا الجزایر تونس از قبیل در دست فرانسه بود. ایسی در اختیار ایتالیا و سوآن نیز به انگلستان تعلق داشت. در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم برخی از این مناطق از مستعمره بودن به تحت الحمایگی مستقیم "ارتقاء" یافته بودند! مثلاً لیبی و سونالیسم و سونالیسم بسیار عقب مانده قبیلگی که سها دهای برده داری را نیز با خود داشت بر سر منطقه عربی حکم - فرما بود. در این فاصله جنبشهای رفرمیستی و انقلابی مذهبی و غیر مذهبی و نیز سازمانهای مارکسیستی یا نه عرصه وجود پیدا کردند (برای مثال در لبنان علی سالهای ۱۹۲۰ و در سوریه و عراق طی سالهای ۱۹۳۰ حزب کمونیست تاسیس گشت) و در محدودهای از فعالیت اجتماعی تا شرانسی باقی گذاردند.

پس از جنگ جهانی دوم، همزمان با اوکتری جنبش استقلال طلبانه ملی در سرجهان و بویژه شرق، و همراه با تلاش مجدداً امپریالیستها برای ایجاد دولت صهیونیستی اسرائیل در فلسطین، جنبش ملی و آزادیخواهانها عراب کسترش وسیعی یافت. و توفان شورش و اعتصاب و قیامهای توده های در سراسر منطقه وزیدن گرفت.

حزب بعث یکی از سازمانهای سیاسی مهم و موثری است که با استفاده از جنبش فراطی در بخش حساسی از منطقه عربی پا گرفته، کسترش پیدا کرده و به حیات خودناگون ادامه داده است در او خرسالهای ۳۰ و اوائل ۱۹۴۰ دوروشنفر سوری بنا مهای میشل علق و صلاح بیطار که پس از تحصیل در فرانسه به سوریه بازگشته و به تدریس در مدارس اشتغال داشتند. محفلی نیمه

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

یکی از شمرات آن است، بارها گفته شده و ما به همین اشاره بسنده میکنیم.
رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا نه تنها به بعثت‌های سوریه حرفی نمی زدند بلکه بقول هاشمی رفسنجانی نقش "محرم اسرار" را برای ایران ایفا میکنند؟!

بعثی ها در عراق هم کارنا مهای موفق تراز سوریه ندارند و جویسا بدتر! یکبار در سال ۱۹۶۳ علیه حکومت سوروزا ملی فاسم که گرا بیتهای

تقسیم "جمهوری متحده عربی" پیشقدم گردیدند و پس از سه سال ونیم که از وحدت دو کشور سوریه و مرمیگدشت با ارتجاعی ترین افسران ارتش همدست شده طی کودتائی جدائی سوریه از مبررا اعلام کردند و سریمای قوانینی را که طی دوره وحدت تحت تا شیرسیاست نامرتا حدودی سبغ زحمتکشان وضع شده بود ملغی نمودند. به این ترتیب بعثی های یکی از تجارب "وحدت" و "سوسالیسم" خود را پشت سر گذاشتند. آنها شعار دادائی شان "وحدت"، "آزادی"، "سوسالیسم" را به همین ترتیب بیاباده کرده اند. چیزی که آنها هرگز فراموش

سیاستهای استعماری جهت جلوگیری از رشد اندیشه های انقلابی و مارکسیستی ونفوذ دیرینه توهمات مذهبی، راه را برای رشد اندیشه های التقاطی و بینابینی نظیر بعثت با زکذاشت و حزب بعثت با ماهیت خرده بورژواشی و بورژواشی (عمدتا بورژواشی) خود نتوانست با استفاده از این موقعیت، تقریباً در کلیه کشورهای عربی هوادارانی برای خود بیابد و تشکیلاتی بوجود آورد.

با گرفتن دولت اشغالگرو نژاد پرست اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بمشابه خطری دائمی که ملت عرب را تهدید میکند، زمینه مناسبتری برای پذیرفتن اندیشه های ناسیونالیستی بعثت فراهم آورد. شرایط سیاسی دیگر منطقه از این قرار بود:

ناسیونالیستهای ناصری توانسته بودند در ممر رژیم سلطنتی را و از گون سازند (۱۹۵۲) و در مبارزه با امپریالیسم مسلط انگلیس پیروزی - هائی بدست آوردند و بویژه در جنگ کانال - سوئز سال ۱۹۵۶ و مقابله با آنها جمعه جانیسه فرانسه، انگلیس و اسرائیل انتظارها نیسان و بویژه اعراب را بسوی خود جلب کنند. کمونیستها در سوریه، عراق و لبنان بصورت خطری جدی علیه امپریالیستها و دست نشانگان داخلی آنان در میان مدد و در شاداریکالیسم انقلابی، حیات بورژوازی را که میکوشید قدرت را با سقوط رژیمهای فئودالی بدست گیرد تیره و تار می ساخت. موج مخالفت توده های و انقلابی علیه انعقاد "پیمان بغداد" و قبول دکترین آیزنهاور منسطفه را در می نوردید. دارودسته های سیاسی وابسته به آمریکا - منجمله در لبنان - محصور شده بودند از قدرت امپریالیستها برای حفظ رژیم خود کمک بگیرند و کامیل شمعون رئیس جمهور وقت لبنان برای مقابله با موقعیت انقلابی این کشور و سرکوب جنبش دمکراتیک مردم لبنان در سال ۱۹۵۸، از آمریکا تقاضای مداخله نظامی کرد. پیمان بغداد که عراقی سلطنتی و ترکیه اعضاء اصلی اش بودند، با مشارکت آمریکا و انگلیس سوریه را تهدید به دخالت نظامی کردند و مرزهای شمالی سوریه محل تمرکز نیروهای نظامی ترکیه شد. در چنین شرایطی، حزب بعثت که در برابر موج ناصریسم تاب مقاومت نداشت، فرصت طلبانه خود را با آن هماهنگ ساخت و پیشنها دو وحدت دو کشور مرم و سوریه را مطرح کرد. در همان سال ۵۸ این وحدت عملی گردید و حزب بعثت توانست برای اولین بار طعم قدرت را بچشد و اکرم حورانی یکی از رهبران آن معاون ریاست جمهوری "متحده عربی" - که سوریه یک استان آن بود - گردید.

بعثی ها که انتظار داشتند از وحدت با ناصریسم راهی برای پیشرفت و کسب قدرت هر چه بیشتر خود بسازند، وقتی با رقابت و سرسختی ناصریسم روپوشند، وحدتی را که آنها هم از آن دم مزدند زیر پا گذاشته اند این بار در انشعاب و

- اندیشه "بعث" سمبل یک اندیشه التقاطی است. در این اندیشه بریده هائیک از ماتریالیسم مکانهستی با اومانیزم و ناسیونالیسم افراطی (که به حد شوینسم می رسد) و تکه پاره هائی از اندیشه های سوسیالیستی خرده بورژواشی وایده آلیستی درهم آمیخته و ملغی ای ناهمگون و سبیل آفریده است.
- رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا نه تنها به بعثت‌های سوریه حرفی نمی زدند بلکه بقول هاشمی رفسنجانی نقش "محرم اسرار" را برای ایران ایفای کند !!
- "حزب بعث عربی" رسماً در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدت سی که بین این حزب و حزب دیگری با همین ماهیت بنام "حزب سوسیالیست عربی" بر رهبری "اکرم حورانی" بوجود آمد بنام "حزب بعث عربی سوسیالیستی" نامیده شد.

مترقیانهای همداست کودتا کردند (رجوع شود به سیکار ۱۷۶) و نخست وزیری عراق (و در واقع کل ندرت) را در دست گرفتند و سرکوب فاجعه آمیز کمونیستها و توده های زحمتکش و خلق گسرد بردا حسند، یکسال ونیم بعد بدست جناح رست خود - عبدالسلام عارف که رئیس جمهور بود و طرفدار ناصری - از کار برکنار شدند و دولی مجدداً در ۱۷ ژوئیه ۶۸ با دالیکور، صدام حسین و... قدرت را طی یک کودتا سبغ کردید که تا کنون ادامه دارد. ما در سماره گذشته به برخی از عملکردهای جناح کارانه و صد خلقی آنان اشاره کرده ایم و میتوان بدان مواجعه کرد. دو سبغ حزب بعث در سوریه و عراق یکدیگر را طرد کرده و بعنوان بعثی قبول ندارند عراقیها میشل عفلق و سللی عسیمی را که سه چهارده سال پیش از سوریه طرد شده و سپس غیاباً محکوم به اعدام گردیدند، بعنوان بنیانگذاران مورد احترام قبول دارند. همچنین احزاب بعث در هر دو کشور میکوشند در کشورهای عربی دیگر برای خود شعبه ها و هوادارانی بسازند و دولی فعالیت بعثی در تمام کشورهای عربی غیر از لبنان و تا حدودی یمن شمالی و بحرین ممنوع است. بعثی های دو کشور هنوز همان شعارهای اولیه خود را در رابطه با مبارزه با "امپریالیسم" و "وحدت عربی" و "مبارزه با صهیونیزم" و "سالمت جاودانه ملت عرب" تکرار میکنند.

نکرده اند و آنها رزیدن سرخشن دمکراسک و صد امپریالیستی و بویژه جنبش طندکار و رکوردگر زحمتکشان بوده و البته در این راه در کنار سبب جماعی، سیاست بان شیرینی همکار آمده است.

بعثی ها با رها کردن قوس برای بدست گرفتن قدرت از دست رقیبای خود کوسدند و سرانجام در ۱۹۶۶ جمعی از افسران سعی سبغله صلاح جدید و حافظ اسد کودتا کردند و رهبری سبب حزب از جمله میشل عفلق را طرد کردند. اسان افسران یک بعثی غیر نظامی بنام دمکتر نورالدین - آتاسی را که جز جناح زایدکال حزب بود بر بنیادت جمهوری برگزیدند. حکومت اینان تا ۴ سال بیشتر دوام نیاورد و طی این مدت مواضع نسبتاً مترقیانهای جه در رابطه با سیاست اقتصادی داخلی و جه در رابطه با مساله فلسطین اتخاذ کردند، ولی حافظ اسد که رهبری جناح راست درون حزب را در سوریه بعهده داشت وقتی در کنگره حزبی در سال ۷۰ رای کافی نیاورد و سیاست منفعل اش بعنوان وزیر دفاع در قبایل سرکوب انقلاب فلسطین در اردن مورد انتقاد قرار گرفت، با یک کودتا قدرت را بدست گرفت و خود را دیکتاتور کل حزب معرفی کرد و این بار همان کنگره او را تاشید نمود!

حافظ اسد که ده سال است قدرت را در سوریه بدست دارد، هر چه بیشتر سوریه را بسبت و ابستکی به امپریالیستهای غربی کشانده و اقتصاد سوریه را که تا حد قابل توجهی بدتجارت منکی است به اقتصاد دمکراتوری تبدیل نموده است. سیاست بعثی های سوریه در قبایل مساله فلسطین و نقشی که در سرکوب جنبش انقلابی فلسطین و لبنان داشته اند و کشتارهای نظیر تل الزعتر

درچین رویزونیستی چه میگذرد؟

دریکار شما ۷۵ ساله است انقلاب
حس مخالفی درج نمود. دراجتماعیکو سمد
دناله منظر لندیل سائور بحرحا سها ی
رویزونیستی خستی را برعلا کسم:

دست زد، اما برعکس رویزونیستیهای خدا انقلابی
با حاملین منی بیولتری بطورآشتی نابیدبر
رفنا کردند و جزاین هم نمیتوانست اتفاق بیفتد
بعنوان نمونه بگوئیم چند ماه پس ازیک قدرت
رسیدن رویزونیستها ۴۰ درصد ازاعضای کمیته
مرکزی (۱۱ مورد) عقیده قرار گرفتند (۲) تصفیه
شدگان کمونیستها شئ بودند که از انقلاب فرهنگی
به اسبویه عضویت کمیته مرکزی ارتقا پیدا کرده
بودند.

امروز رویزونیستها، حزب دولتی را تحت
سلطه خود دارند و منی خدا انقلابی آمان درعرصه -
های مختلف درحال پیداشدن میباشد. آنان حزب
بیولتری را به یک حزب بورژوا - رویزونیست
و دیکتاتوری بیولتاریا را به دیکتاتوری
بورژوازی تبدیل نموده و پیرشتاب در راه بازگشت
سرما به داری حرکت می کنند. امروز اگر چه همه
رویزونیستیهای چینی در تحکیم مناسبات
سرما به داری توافق دارند، لیکن در عین حال
دارای یکسری تضادهای درونی نیز می باشند.
کمونیستها در میان خود وحدت دارند و راه حل
اختلافات ایدئولوژیک سیاسی میان خود را مبارزه
ایدئولوژیک میدانند. اما رویزونیستها بر
اساس دیدگاه بورژوازی و تنگ نظران خود به
باندبازی دست می زنند و علیه یکدیگر توطئه می
کنند. در حال حاضر جناح قدرتمند "تنگ" می
- کوشد تا هر چه بیشتر جناح "هوا" را به غلبه
براند و دستگاه حزبی و دولتی را تحت کنترل
همه جا نهد و مستقیم خود در سبب آورد. البته ناگفته
نماند که از زمان تصرف قدرت توسط رویزونیست
- ها منی مسلط، منی تنگ بوده است.

... اجلاس مجلس ملی که با شرکت ۳۰۰۰
نماینده در عیبتا میرا مسال پایان یافت نه
تنها خط منی سرما به دارانه حزب و دولتی را
تدقیق نمود، بلکه همچنین یکسری تغییرات در
مقامهای حزبی و دولتی بوجود آورد. در این
تغییرات جناح "تنگ" با زهم موقعیت خود را
تحکیم نمود. "هوا کوفنگ" از مقام نخست وزیری
کنار رفت ولی کماکان مقام دبیر کلی حزب را
حفظ نمود. تنگ "همراه با ۶ نفر دیگر از معاونت
بغیر در صحنه ۲۱

- (۱) - اعضای کمیته مرکزی حزب ۲۰۱ نفر -
مباشند و دفتر سیاسی حزب ۲۲ عضو دارد و علاوه
حزب ۲۸ میلیون عضو دارد.
- (۲) - "مسائل اقتصادی و اجتماعی" ۲۸ اکتبر
۷۷ چاپ فرانسه.

بر ما سرزده است. ما رویزونیست و رویزونیست
با عنایت بر تسلیم طلبی کدر در راه سرما به داری کام
بر ما دارند. دیکتاتوری مدار زده درون حزبی بیستار
منی آمد. سطح سیاسی ایدئولوژیک مداوم نموده
- های حزبی علیه انکال مختلف رویزونیسم،
سار زده ایدئولوژیک مداوم علیه نفوذ ایدئولوژی
بورژوازی و تصفیه عناصر رویزونیست و خاش به
آرمان بیولتاریا، خطی است که گاه منی بلا مست
بیولتری حزب می باشد.

عدم رعایت این خط یکی از عواملی بود که
بنا خط وظ رویزونیستی حزب کمونیست چین
انجامد. اگر چه حزب کمونیست به رهبری رفیق
ما تو ما زوا - وسیعی علیه رویزونیستیها و
رویزونیستیهای درون حزبی به منی برد. اما
غیر غمناک ما سرزده است و سار زده های ایدئولوژیک
گرا است در آن، حزب در یک راستن اصولی لنینیستی
سار زده ایدئولوژیک درون حزبی دچار انحراف
نموده و راست روی در غلند. در دوران انقلاب
فرهنگی تعداد متعددی از عناصر حزبی و دولتی
به عنوان رویزونیست و خدا انقلابی معرفی شده و
طی مبارزه های آمان از مقامات بالای حزبی بائین
کننده شدند. لیکن اسان همگانه کارت عضویت
حزب را از دست ندادند و یکی از این عناصر تنگ -
سائوینیک بود. او یکبار در ۱۹۳۲ بعنوان عمری
ایورونیست مورد انتقاد قرار گرفته و به سطح
پائین حزبی تنزل داده شد. دوباره او "سار ج
ترقی" را طی کرد. در انقلاب فرهنگی در سال ۶۷
بعنوان "خوشح جینی" مورد انتقاد شدید قرار
گرفته. از اس به پائین کشیده شد، ولی با زهم او
به تنگ ۱۰ افراد همگراش خود ارتقا پیدا نمود. در
سال ۱۹۷۴ ارجانب کمیته مرکزی و شخص رفیق مائو
بعنوان یک "رویزونیست تمام عیار و عمری ضد
انقلابی" افشا گشته از کمیته مرکزی اخراج شد،
ولی کماکان او در حزب باقی ماند. پس از مرگ
رفیق مائو به دستبازی افرادی چون هوا کوفنگ
و با انکا، به جناح راست درون حزبی ارتقا پیدا
کرده تا اینکه در ژوئیه ۱۹۷۷ تمام مقامهای مهم
حزبی و دولتی خود را با زلفت، بدین ترتیب
می بینیم که انحراف راستروانه در برخورد به
تصفیه و اخراج عناصر رویزونیست و مرتد خود
زمینه ساز ضربات مرکب را بر حزب است.

رویزونیستیهای چینی بعضی اینکه قدرت را
در قبضه در آوردند تنها هم ایدئولوژیک رویزونیستی
خود را در درون بیرون حزب گسترش داده و حاملین
منی انقلابی را مورد تصفیه و اخراج قرار دادند
خط منی مارکسیستی با رویزونیستیها به معاشات

دریک خامعوسا لنینیست تضادهای طبقاتی
طبقات و مبارزه طبقاتی وجود دارند. در اسب
خامع از بعضی نظر طبقاتی تضاداتی بخاندین
بیولتاریا و بورژوازی است. بیولتاریا که قدرت
سای را بیک آورده نمیکند با انکا -
دیکتاتوری انقلابی خود را معدوم نموده خامع
منی طبقاتی کمونیسم سوب دهد. حال آنکه بورژوازی
که قدرت را از دست داده نمیکند دوباره قدرت را
بند گرفته و گویور را بر ما سرما به داری بکماند.
سرما به داری و انصبت غنی مبارزه طبقاتی
در حزب بیولتاریا است که می باشد. وجود در س
عنا میرا رویزونیست و رویزونیست در درون حزب
و ارا دشمنانها و ساسهای رویزونیستی ارجانب
اسان بیان ادامه مبارزه بورژوازی علیه بیولتاریا
میباند. اسان می کوشند تا از طریق حزب -
حزب، کنترل دولت را بدست گرفته و خامع در اسر
اساس منی بورژوازی خود به جلوسر اسند. اگر
رویزونیستیها بر حزب غلبه کنند در واقع قدرت به
دست بورژوازی افتاده است.

در اسر کوشش های مداوم بورژوازی و نمایندگان
آن بیولتاریا در طی سروساختمان سوسا لنین
می باشد آنگاه نه و بیکر مبارزه طبقاتی و
انقلاب را ادامه دهد. هر گونه کوتاهی در مبارزه
علیه بورژوازی زمینه ای است تا در ستر آن امواج
تضاد حیات بورژوازی گسترش یابد.

در دوران ساسمان سوسا لنین و
نداوم انقلاب تحت دیکتاتوری بیولتاریا نقش
حزب و دیکتاتوری بیولتاریا تعیین کننده است
اگر حزب بیولتری نتواند مبارزه طبقه کارگر را در
عرصه ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد سنبودرستی
هدایت کند و اگر حزب نتواند در سیرون حزب و
چه در درون حزب بورژوازی و ایدئولوژی اورا به
سنت نابودی سوق دهد، شرایط اضلال خود را
فراهم مینماید. در این ارتباط مبارزه حزب
کمونیست علیه سیاستها، گرایشها، منی بورژوازی و
حاملین ایدئولوژی بورژوازی یعنی رویزونیستها و
ایورونیستیها دارای اهمیت قاطعی میباشد. میباشد
مبارزه ایدئولوژیک فعالی را علیه سیاستها و
گرایشها رویزونیستی به پیش برد و از هر گونه
سیاست سازش ایدئولوژیک اجتناب ورزید. در
نداوم این مبارزه، زمانی که یک گرایش ایدئولوژیک
رویزونیستی انجنا یافته و به یک خط منی
تبدیل میگردد، با سطح نموده های حزبی میباشد
بطور قاطع به تصفیه آن پرداخت و حاملین این خط
- منی را از حزب بیولتاریا اخراج نمود.

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

بگذار فدایی (اکثریت) و ارتجاع درهم آمیزد و نگهبان جمهوری اسلامی گردد!...

سورژوازی بکشایند. (هما نجا) بتدریج ما هیت طبقاتی رویزیونیستهای اکثریت مشخص میشود آنها می نویسند:

"...سازمان مادر تلگرام مورخ ۴ مهر ماه ۵۹ خود به آیت الله خمینی صراحتاً نوشت که در شرایط فعلی دفاع از استقلال میهن هیچ معنایی جز دفاع از جمهوری اسلامی ایران ندارد.

ما اکنون قاطعانه این نظر را صحیح و صادقانه می شناسیم و به توده ها میگوئیم که ادعای "دفاع از میهن" در برابر تحولات رژیم عراق، تنها به شرطی معنای واقعی پیدا میکند که به دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تحولات رژیم عراق و توطئه های امپریالیسم آمریکا بیا نجامد. (هما نجا تا کیداز "کار" است.)

رویزیونیستهای اکثریت اکنون آشکارا به مداحی سورژوازی نشسته اند. آنان دفاع از میهن را به معنای دفاع از جمهوری اسلامی و دفاع از انقلاب را به معنی جان باختن در راه جمهوری اسلامی میدانند. آنها دستان آغشته به خون جلادان کارگران و زحمتکشان، خلق کرد،

خلق ترکمن و... را بعنوان ناجیان انقلاب می بوسند، آنها حکومت ارتجاعی ای را که بجز ستم و استثمار برای زحمتکشان و کشتار و سرکوب برای توده ها به ارمغان نیاورده است، مستابند

و از توده ها میخواهند که برای دفاع از آن خود را بکشتن دهند. رویزیونیسم اکثریت، آشکار و پنهان است، دیگر از پرده پوشی خبری نیست، نوکری

آشکار سورژوازی است، مدح و شنای عربان رژیم است که اجساد هزاران شهید میهن را سکوی پرشی برای رسیدن به قدرت کرده با تمام قوا به ساز

سازی سیستم سرما به داری و ایستاده پرداخت، بارها انقلاب را در کردستان، ترکمن صحرا، انزلی، اندیشک، ورورد، داناگاه و... بخون کشیده

است و با گلوله های آمریکا شش سیته پاکترین فرزندان خلق را در چهار گوشه میهن خونین

ددمنشا نه دریده است. هم اکنون که رویزیونیستها اینگونه جمهوری اسلامی را بزرگ میکنند، فانتوم

- های رژیم، سردشت و دیگر مناطق کردستان را بمباران میکنند، صدها انقلابی در زندانهای

رژیم بسر میبرند و انقلابیون بسیاری در خطر ترور و تیرباران قرار دارند، کارگران و زحمتکشان

با زوبان زهم در کارخانه های وابسته جان می کنند و شدت استثمار می شوند، ارتش این نهاد سرکوب

وابسته به امپریالیسم بدست رهبران مورد ستایش اکثریت با زسازی میگوید... برآستی کدام

اقدامات جمهوری اسلامی ستایش آمیز است؟

فدائیان خلق (اکثریت) اکنون به حاسومان و نوکران سورژوازی بدل شده اند. آنها وظیفه دارند راه پوی برای بیاندازند، فریبکارانندم از منافع پرولتاریا بزنند و خاک در چشم توده ها بپاشند و سپس به راحتی سود سرما به داران عمل کنند، از کار ۵۹ درصد به بعد و بخصوص پس از جدا شدن بخش اقلیت مارکسیستی از رویزیونیستها دیگر فدائیان به یک جریان سورژواشی استحاله پیدا کرده اند. توضیح روند استحاله یک جریان انقلابی - خرده بورژوازی بیک جریان بورژوازی رویزیونیستی از جدا این مقاله خارج است. ما فقط در اینجا میگوئیم تا نشانای دهم، چگونه این شیادان بورژوازی در مورد جنگ ایران و عراق سبزه ماهیت طبقاتیشان را آشکار می کنند.

سوسیال شوینیسیم تکامل یافته ترین شکل نوکری بورژوازی است

فدائیان (اکثریت) در مورد این جنگ چه میگویند:

آنها این جنگ را عادلانه و نبرد میمان انقلاب و ضد انقلاب میدانند:

"جنگ عراق با ایران جنگی میان انقلاب ایران و ضد انقلاب عراق، جنگی است بین رژیم

که در راه مبارزه با وابستگی به امپریالیسم گام برمیدارد و رژیم که در مسیر وابستگی به امپریالیسم

گام نهاده است. جنگ عراق با ایران، جنگ بین رژیم

است که از اردوی بهترین دوستان خلق جدا شده و خود را بطور کامل در برابر آن قرار میدهد، سا

رژیمی که در جریان یک انقلاب ضد امپریالیستی

و در گسترش های بعدی آن بدترین دشمنان خلق

را از پای در آورده و خود را در برابر آن قرار داده

است. (ضمیمه کار ۷۸) و نیز:

"ما همه نیروهای ترقی خواه جهان حقوق دفاع را برای تمامی ملت ها کما ملا عادلانه و

برحق می شماریم به همین دلیل وظیفه همه نیرو

- های انقلابی است که با قاطعیت با ایمن

تجاوزگری مرتجعین مقابله کنند و بطور آشکار

جانب دولتی را بگیرند که قربانی این تجاوزات

مرتجعین شده است.

پس فدائیان (اکثریت) معتقدند که این جنگ جنگی عادلانه است، جنگی میان انقلاب و ضد - انقلاب است. این جنگ ارتجاعی نیست چرا که بقول "کار" نویسان: "جنگهای ارتجاعی همواره از جانب رژیم های ارتجاعی آغاز میشود."

فدائیان (اکثریت) "اندیشه بگانه" دارند آنها به هیچ وجه گراستهای انتقادی ندارند، منجم شده اند، میدانند چگونه با طبقات گوناگون برخورد کنند، سیاستشان نسبت به پرولتاریا، بورژوازی، هیئت حاکمه و... مشخص است. در مورد جنگ ایران و عراق نیز آنها به هیچ وجه دفاع طلب نیستند، آنها میدانند که نمی توانند بدون اینکه تحلیل مشخص از ماهیت حکومتیای طرفین درگیر در جنگ داشته باشند تحت عنوان دفاع از میهن جانب حکومت کشور خود را بگیرند. (ضمیمه کار ۷۸)

آنها مسلح به تئوری هستند تئوری ای که بصورتی منجم در تمام ایضا با زندگی اجتماعی حضور دارد! و رهنمودهای مشخص میدهد. تئوری آنها حاکم به منجم طبقاتی دارد. آنها نیروی خود را صرف دفاع از طبقه ای میکنند که به آن تعلق دارند و چون از منافع طبقه واحدی دفاع میکنند - طبقه ای که اکنون از فرط کهنسالی، فرسودگی و محض شده است - میدانند که در مورد هر قضیه ای چه برخورد مشخص داشته باشند تئوری آنها بگروزه بیدیدنیای مده و برای خود را بچینه و تئوری بیدیدنیای "دار دوروز بروز سبز بچیده تر و منجم تر و در عین حال واضح تر و کشف تر شده است. این تئوری "واحد"، بدون انقطاع و "منجم" کدام است؟! این تئوری که با شروع سرمایه به احتیاط روگنیده شدن بیدید آمویش از تبدیل دوران سرما به عصر امپریالیسم، منجم و بیهم فترده گشت چیست؟! این تئوری که انتی تئوری مارکسیسم و نفوذ دشمن پرولتاریا یعنی بورژوازی در صفوف جنبش کارگری است. بنا مش رویزیونیسم است.

جاسوسان بورژوازی قلعه را بروی دشمن میکشایند

پس از آنکه مارکسیسم در عرصه جهانی خود را بعنوان بگانه اندیشه را سازنده طبقه کارگر تثبیت کرد، بورژوازی نه تنها با تیرباران و سرکوب مارکسیستها کوشید با آن مبارزه کند، بلکه بتدریج در با تمام اعدا موکنججه، مارکسیسم را نیرومندتر میسازد و برای مبارزه با آن باید از درون رخنه کرد. بورژوازی دژ پرولتاریا را مستحکم و نیرومند دید. توپخانه بورژوازی برای درهم شکستن برج و باروی این دژ، پس حقیرو عاجز بود و چنین شد که رویزیونیسم به موثرترین حربه سرما به داران آفریده شد تا با توجه به اینکه "دژ را از درون گرفتن از همه آسانتر است." (تاریخ مختصر حزب بلشویک) ، به خدمت بورژوازی درآید رویزیونیستها بعنوان مدافعین پرولتاریا وظیفه دارند، راه پوی را بیاندازند، در درون دژ پرولتاریا رخنه کنند و سپس شا هنگام پس از خواب کردن توده های درون قلعه، قلعه را بروی

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

گامهای سریع بسوی کارگزاری

فداشيان دورالت بعهدہ دارند، يكسى نوكرى بورواى "خودى" وديگرى حمايت از سوسال اميريا ليمروس ودرهمآ ميختن هر دوى اين وظائف درمقطع كنونى. آنها گذشته از حفظ منافع بورواى حاكم، معيار حرڪت خود را برمنافع شوروى نيزبتدرج استوارميكنند آنها مجلس شورايى و كابينه رجاى را شنيدند فدا ميريا ليست مى خوانند، خوششان را با خون باسداران درهمى آميزند تا بايد آنان را به سوسال اميريا ليمر بگشايند. آنان عراق را تا زمانيكه بقول خودشان "با اردوگاه سوسال - يسم" رابطه داشته، انقلابى ميدانند و از زمانى كه روابط عراق با شوروى كم رنگ تر شده و اوضاع انقلابى ميخوانند و از آنجا كه عراق هنوز سلاح از شوروى ميخرد، البته هنوز رژيم ارتجاعى و فاشيست عراق را كالا ملا همسوا اميريا ليمر نمى دانند. "سياست حاكم بر رژيم عراق هنوز در تمام زمينه هابا سياست اميريا ليمر همسو نيست" (ضميمه كار ۷۸) فداشيان هنوز به آخرين رمقهاى مقاومت جناحهاى فدا ميريا ليمر حزب بعث اشاره ميكنند.

"مقاومت خصلت هاى فدا ميريا ليمر در بلوك قدرت آخرين رمق هاى خود را هم از دست ميدهد. فداشيان جا روجنا لهماى دروغين ضد اميريا ليمر مدام حسين مانند محكوم كردن مذاكرات كمپ ديوييد و دروغهاى مبنى بر كمك به فلسطينى ها را جدى قلمداد كرده، آنرا تاخير فزاي درجهت وابستگى به اميريا ليمر ميدانند و نه تنها گذشته كشيده و ضد خلقى حاكمان بعث عراق را به خاطر روابط با شوروى، انقلابى جا ميزنند، بلكه الان نيز اقداماتى مثبت برآى عراق تصوير ميكنند، چرا كه آنها كمنون از ماهيت طبقاتى دولتها، حركت نمى كنند، از ميزان سودى كه سوسال اميريا ليمر از آن دولت - ها مى برد، حركت نمى كنند و چنين است كه بر جنايات آن دولتها برپوش ميگذايند، مادر شما ره قبل پيكار شماى از جنايات بعثى ها را در همان زمان كه فداشيان آنها را انقلابى ميناميدند آورد بيموروشن ميشود كه فداشيهائى اكثر بترتبعها طرمنافع شوروى ماهيت ضد خلقى بعث عراق را مى پوشانند، آنها مسئله جنگ را ازديدگا همزيستى مسالمت آميز و خوشچسبى - برزنى نيز مينگردند و از آن زاويه آنرا تحليل مى كنند. بهر صورت تحليل آنها در مورد جنگ نشان ميدهد كه آنها اكنون كالا رويزونيست و سوسال شونينست و نوكر بورواى گشته و از راه تبديل شدن به كارگزار اميريا ليمر سوسال نيز قدمهاى محكمى برداشته اند. اما آنها با پيدا شدن سوسال در همان سرنوشت همه خاشان به توده ها خواهد بود و خلق ماهرگز نوكرى ارتجاع را بر آنها نخواهد بخشود"

فداشيان (اكثريت) هواداران را به نوكرى ارتجاع فرامى خوانند

چنين است كه سوسال شونينستهاى وقبح و بى پرده اكثر بترتبه ها را مى فرينند، رژيم جمهورى اسلامى را بزرگى ميكنند و ميخواهند توده ها را با اين نبروى سر كوبگرو ارتجاعى وحدت ببخشند. آنان از توده ها ميخواهد سا كميتبه ها و سا باسداران همكارى كنند - به تسخيميونند سدوحتى شابعه براكتان "و در حقيقت مخالفين رژيم را (كه البته اين نظر فداشيان (اكثريت) طيف وسيعى، از طرفداران اميريا ليمر تا نبروهاى انقلابى كمنونست را در بر ميگيرد) به كميتبه ها معرفى كنند. اوج و قاحت است، رژيم را كه بزرگى ميكنند، توده ها را فرامى خوانند تا در پشت سر ارتجاع قرار بگيرند! حتى اكثريت اين رژيم نيز انقلابى بود، كمنونستها ميبايست از صف مستقل طبقه كارگر حركت ميگردند و توده - ها را پشت سر خود بسپح ميگردند، كمنونستها در حمايت از نبروهاى انقلابى "همواره كارگران را متنايز خواهند نمود، همواره جنبه موقتى و مشروط اين همبستگى را توضيح خواهند داد، همواره مجزا بودن طبقاتى بيولتاريا را كه فردا ممكن است در حربه مخالف متفقين امروزي خود قرار بگيرد، خاطر نشان خواهند كرد." (لنينين و طرايف سوسال دموكراتهاى روس)

اكنون فداشيان كالا ملا به صف فدا انقلاب شتافته به با و ارتجاع بدل گشته اند، آنان با ورسيا باسداران، اين ارگان ارتجاعى كه در كنار ارتش ضد خلقى ستنش بخون هزاران تن از زحمتكشان ميهن آغشته است، قرار گرفته اند آنان توده هاى هواداران را به جاسوسى برآى ارگانهاى ضد خلقى فرامى خوانند. طبيعى است كمنونستها در صورت مشا هده توطئه هاى بختيار و ديگر نوكران اميريا ليمر به افشاى آن در نبرد توده ها پيداخته در سر كوب آنان شركت مى كنند. اما فداشيان هواداران را به مقابله با "وحدت شكنان" و "تفرقه افكنان" يعنى نبرو - هاى انقلابى را كه خواهان "تفرقه ارتجاع و انقلاب" و جلوكبرى از "وحدت بورواى و زحمتكشان" هستند، فرامى خوانند و مى خواهند مخالفين جنگ را به عنوان رويحبه شكنان به كميتبه ها معرفى كنند، فداشيان نه تنها مى - خواهند در راه "جمهورى اسلامى، خون باسدار و فداشيان" درهم آميزد" (تلگراف به خمينى) بلكه خواهان جاسوسى هواداران را براى ارتجاع هستند براستى هر چه احتضار و كنديدگى اميريا ليمر بيشتتر ميشود، رويزونيستها نيز كشيده تر و وقبحانه تر به نوكرى بورواى مى پردازند.

سر كوب حشيش كارگرى و دهقانى؟ به كلوله بستن تانكها و كارگران سكارا؟ با زسازى سيستم سرمايه دارى و استهواستعمار ريش از جسد زحمتكشان سودا نجانها را اميريا ليمر بسى؟ كشتا ريسر حمله خلق كرد، تر كمن و... ترور و ترسباران انقلابيون؟ سر كوب آزاد بسپاى دموكراتيك، آزادى اجتماعات، مطبوعات مترقى و سا زمانهاى انقلابى؟ سر كوب زندانها از انقلابيون و شكنجخانه آن؟ تعطيل دانشگاهها و جنايات و حشانه در اول اردبيلست؟ بسج حماقتداران و اوباش بر عليه نبروهاى انقلابى؟ بقوت ارتش و به قدرت رساندن فلاحى ها و ظهير سزاهها؟ منجكد مجلس؟ اخراج كارگران، معلمان، دانشمندان - موزان و كارمندان انقلابى؟ فدا انقلاب با اصطلاح فرهنگى؟ قطع سود سزوه و تحميل كراسى، بيكارى و فلاكت به زحمتكشان؟ هابوى دروغين ضد - اميريا ليمرى براى فرست مردم مدور با اصطلاح انقلاب اسلامى و حمايت از جريانات ارتجاعى چون اخوان المسلمون، مرسط با سا و عربستان سعودى و سا داد و حرب الدوده ارتجاعى (كه رويزونيستها را انقلابى خوانده اند). و گروههاى سا با خن مسلمان افغانى؟ اما رويزونيستهاى فداشيان كه اكنون به يك نبروى بورواى استعاليه با فته و وظيفه مشاطه گرى بورواى حاكم را بعهدہ دارند، مى - كوئند تا توده ها را به رژيم منوهم بگيدارند. آنان از كارگران ميخواهند تا دست به فزايش توليد بزنند و در همين شماره "كار"، كسانى را كه كارگران را به اعتماد بگشند مانند برادر بزرگشان حزب توده فدا انقلاب ميخوانند، آنها تحت عنوان اينكه خواست اميريا ليمر و "فدا انقلاب بختيارى" سرنگونى اين رژيم است، هرگونه مبارزه عليه ستم سرمايه دارى و استهواستعمار اين دارودسته ارتجاعى نسبت ميدهند. بدين ترتيب آنها خواهان عدم مبارزه طبقاتى بيولتاريا عليه بورواى و زاده كردن توده ها به بورواى هستند. اينك اكثر بترتبه فداشيان به بورونونيم تكميل شده يعنى سوسال شونينست رسيده اند. بقول لنين "اين جريان برآى اتحاد علنى و اكثر استبدل با بورواى، بوستاهائى ارتش به نضج خود رسيده است." (بورونونيم و ورشكستگى انترناسيونال دوم) اكنون رويزونيستهاى اكثر بترتبه تمام خصوصياتى را كه لنين برآى سوسال شونينستها بر مى شمرد، دارا هستند: "همكارى طبقات، استنكاف از ديكتاتورى بيولتاريا، استنكاف از عمليات انقلابى شائى بدون قيد و شرط قواى نين بورواى، بى اعتمادى نسبت به بيولتاريا و اعتماد به بورواى" (همانجا) و خلاصه "اتحاد نوكران بورواى با بورواى بر ضد طبقه اي كه به توسط بورواى استعمار ميشود." (همانجا)

جنگ غير عادلانه كنونى جنگى است بر عليه توده هاى ايران و عراق

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت ششم)

پیکار: آیت الله خمینی در همان سخنرانی خود (مورخه ۴ تیرماه) از کسانی سخن گفته است که به حمایت از مجاهدین خلق به او نامه نوشته و حمایت از مجاهدین را خواستار شده اند. ضمناً آیت الله گفته است که مجاهدین، آنها را "قریب" داده و اغسوا کرده بودند توضیح شما چیست؟ و به چه منظوری آن اشخاص تماس برقرار شده بود؟

رفیق تراب: مقدمتاً اشاره کنم که قبلاً از شهریور ۵۰ یعنی پیش از آنکه تعداد قابل توجهی از اعضای سازمان ما (در آن زمان مجاهدین خلق) و تقریباً اکثر اعضای رهبری آن به اسارت پلیس شاه شاهنشاهی افتند با برخی از روحانیون که بطور نسبی اندیشه مبارزاتی داشتند و برداشتهای مترقیانه‌ای را از اسلام ارائه می‌دادند تماس داشتیم و از آنها بمنظور "دست‌یابی به مقامی قرآن و نهج البلاغه" کمک می‌گرفتیم ولی با دیدگوسیم که در همان زمان ما به این نتیجه رسیده بودیم که بهیچوجه نمی‌توانیم از آنان انتظار داشته باشیم که با اصطلاحات امروز خودمان "خدوین ایدئولوژی انقلابی اسلام" را برای ما بپذیرند و بپذیرند. گرایش ما به قبول برخی از اصول مارکسیسم، نقطه افتراق ما و آنان را تشکیل میداد. موضع طبقاتی ما و گرایش ما به سمت حل تضادهای درون جامعه به نفع زحمتگان (هرچند این گرایش و سمنگیری جنبه کاملاً علمی نداشت، بلکه شدیداً به ایده آلیسم غشته بود) ما را بر آن میداشت تا آنجا پیش رویم که از مبارزه بیکسر علیه امپریالیسم و نواستعمار رخسار بگوئیم و ما تریالیسم تاریخی را در تحلیل‌هایمان مبنای قرار دهیم. البته روشن است که قبول ما تریالیسم دیاکتیک قبول ما تریالیسم تاریخی معنا ندارد.

از میان روحانیون نزدیکترین فرد به ما آیت الله طالقانی بود ولی در مورد او و نیز مثلاً نه کتاب "پرتوی از قرآن" او را می‌توانستیم مبنای کل بپوش خود قرار دهیم و نه کتاب "اسلام و مالکیت" او را. بهر حال چون جای شرح و تفصیل این قضایا اینجا نیست از آن می‌گذرد و در همین حال به این نکته نیز اشاره میکنم که ما از مواضع مبارزاتی آنان هر چند بسیار اندک بود تا آنجا که در توان داشتیم در آن شرایط فحان از دست سازمان ما که مرحله جنینی و مخفی بودن خود را می‌گذراند، بر مینا مدحاً می‌توانستیم. پس از تبعید آیت الله خمینی به عراق شاه و لیس اعلامیه او پس از چند سال، اعلامیه‌ای بود در حمایت از انقلاب فلسطین و یومیه الفتح که همزمان با حج در سال ۴۷ صادر شده بود. ما این اعلامیه را ترجمه و در تعداد قابل توجهی تکثیر و پخش کردیم و این اولین کار تبلیغی ما در آن شرایط نیز محسوب میشد که تا شرفا بل توجهی بخشید و صدوقی برای کمک بطور مخفیانه در تهران ایجا داد.

پس از ضربهای که در شهریور ۵۰ به سازمان وارد

آمد، سازمان تصمیم گرفت که زیسته محدود تشکیلاتی خود بیرون آید، رژیم را طی فعالیت تبلیغی وسیع افشا نماید و با تماس با برخی از مراجع و روحانیون و افراد مبارز و مبارزان مواضع عام سیاسی و اعتقادی خود، حمایت آنان را از مبارزین در بند جلب کند، و احیاناً ما نفع آن شود که رژیم خودخواه را شاه انقلابیون اسیر را در زیر شکنجه با در میدان اعدا بقتل برساند و با استفاده از کمنا می‌آنها و اهدافشان هرگونه تحریفی در مورد افکار و فعالیتها می‌مارزانی آنان بعمل آورد.

البته در آخر هم تصمیم را به خود آیت الله خمینی محول نموده بود این نامه را خودم به نجف بردم. (نامه آیت الله منتظری خطاب به آیت الله خمینی را خوانندگان پیکار در حاشیه این مصاحبه میتوانند ملاحظه کنند).
- اعلامیه‌ای نیز از آیت الله بهاء الدین - محلاتی بود که به نام چندین نفر از مجاهدین زندانی بعنوان مسلمانان پاک و مبارزین یاد کرده بود. آیت الله خمینی هیچ جواب مثبتی به آن نامه نداد.
- همچنین آیت الله قاضی در تبریز، مجاهدین

● آیت الله خمینی روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دطائی، بهزاد نبوی و دیگران، ما را که در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فریبکاری" متهم کرد باند. این اتهامی است بغایت نادرست. برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فریبکاری بزرگی میدانم که با استفاده از ناآگاهی‌ها و توهمهای موجود در جامعه، به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بردیوار میکشد و مردمی نادان را می‌فریفت اینان نیز به فریب مشغولند.

اعداد شده را "شهید" می‌نامید. و به سازمان کمک میکرد.
من مثالهای فراوانی دارم که همگی، بر اساس تحلیلی که در قسمت‌های قبلی مصاحبه اشاره کردم نشان میدهند که بسیاری از مخالفین امروز کمونیستها و مجاهدین، موضع گذشته‌شان را بنبغ خدا انقلاب تغییر داده اند و با بدما سک عوامفریبی را از جبهه آنان درید و حقایق را برای توده‌ها روشن کرد.

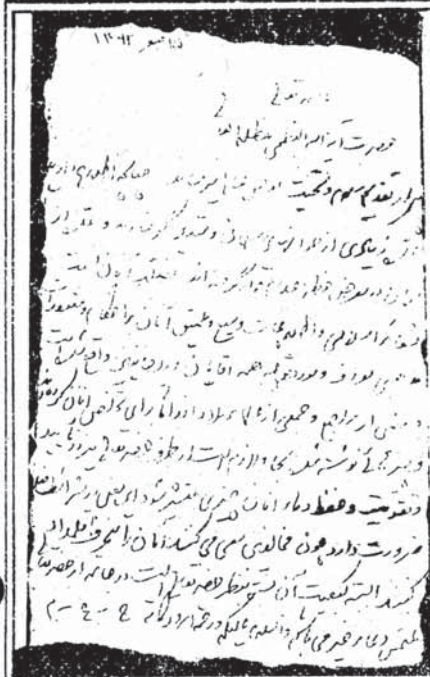
آیت الله خمینی و روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دعا‌شی، بهزاد نبوی و دیگران ما را که در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فریبکاری" متهم کرده اند. این اتهامی است بغایت نادرست. برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فریبکاری بزرگی میدانم که با استفاده از ناآگاهیها و توهمهای موجود در جامعه به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بردیوار میکشد و مردمی نادان را می‌فریفت اینان نیز به فریب مشغول اند.

ما پس از چندین سال کار سیاسی - تشکیلاتی مداوم و مخفی، خود را برای مبارزه‌ای سخت و انقلابی آماده میکردیم و در این راه خطرات و زحمات زیادی را تحمل نموده بودیم. ما بدرستی معتقد بودیم که در برابر دشمنان، که عبارت از امپریالیسم و رژیم سرما بهداری وابسته شاه شاه بود با بدما بدهمه نیروهای خلقی را بسیج کنیم و از کلیه نیروهای که فکر میکردیم در این راه با ما هدف مشترکی دارند، باری بخواهیم.

در این میان خانواده‌های زندانیان و شهادهای سازمان، نقش بسیار فعالانه و افکارانه‌ای داشتند تا آن زمان سالها بیما بقبود - داشتند و ما فرتها و تحمن‌ها و جملات متعددی در قم و تهران و شهرستانها برپا کردند که بیان آنها فرشت دیگری نخواهد.
در ادها این سیاست افشاگرانه و بسیجی توده‌ای، سازمان تا برخی از اشخاصی که در آن زمان و در چارچوب اهداف طبقاتی خود با رژیم شاه و مبارزه‌ای داشتند تماس گرفت و آنها که مستقیم و غیرمستقیم از اهداف انقلابی سازمان مطلع شده بودند منجمله اقدام به ارسال نامه‌ها می‌توانستیم کرد.

- یک نامه‌ای مهندس عزت‌حاجی به آیت الله نوشته بود.
- نامه‌ای مفصل از هاشمی رفسنجانی بود که نسخه‌ای از آنرا خودم به نجف بردم. در این نامه نویسنده نه تنها از مجاهدین خلق بلکه از فدائیان خلق (بخصوص رفیق شهید مسعود احمدزاده) بخوبی یاد کرده، حمایت آیت الله را از مبارزین خواستار شده بود. در اینجا با زهیم تغییر موضع رفسنجانی و امثال او با پیدایش اشاره کنیم که دقیقاً بدلیل آنکه امروز قدرت را بدست گرفته و به صف بورژوازی و ضد انقلاب پیوسته اند، مواضع گذشته خود را از یاد برده و در سخنرانیهای خود به کمونیستها و مجاهدین لجن پراکنی میکنند.
- آقای مطهری هم فارسی شفاهی به آیت الله کرده بود.

- نامه‌ای مهمتر از آیت الله منتظری بود که در آن، ضمن تأیید از مجاهدین زندانی از آیت الله خواسته بود بنبغ آنان اقدام نماید و



در حاشیه مصاحبه

آیت الله حسینعلی منتظری در سال ۲۱ مطابق با ۱۳۹۲ هجری قمری نامه‌ای به آیت الله خمینی نوشت که به دلیل شرایط بلنسی کلمه «خمینی» در نامه ذکر شده و در امضا نیز به ذکر حروف اول اسم اکتفا شده است. این نامه را **رجائی** (سخت وزیر فعلی) که در آن زمان معلم مدرسه بود نوشت به محامدین سبانی داشت بدست آورده و جوادی فریق دوست تا حریم درمندان تره‌ها رتوران که در حال حاضر نیست میهمی در سیا دیبا مداران دارد به خارج برد. اشخاص اخیر ما سندسازی دیگر که در گذشته افتخار نشان این بوده که برای محامدین خدمتی انجام دهند. امروز پس از بدست گرفتن قدرت در صف بورژوازی و صد انقلاب برآوردند و کوفته اند و کینه نوزاد به کمونیستها و مجاهدین خلق میزنند. ای یک متن نامه امی آوریم تا کنید و یاد داشته‌ای داخل بر استراحت است.

با همه تعالی
حضرت آیت الله العظمی مظهر العالی
پس از تقدیم سلام و بخت عرضی عالی

حرورت دارد چون مخالفین سعی میکنند آن را منحرف نمایند و نگین «مخالفین» امروز رژیم شاه بود و اما آن امروزهای آنرا گرفته اند و مخالف شده اند! البته کینیت آن بسته بنظر حضرتعالی است. در خاتمه از حضرتعالی ملتس دعا، خیر مناسا شود! اسلام علمیکم و رحمة الله و برکاته ج - ع - م (آری، آقایان! حفظ منافع طبقاتی حیا و در دریا بستنی نمی شناسد، فقهای عالمقدر و مراجع و مجتهدین عظام، دیروز چنین میگفتند و امروز فقط میگویند «ما فریب خورده بودیم!» شما با اعتبار و موقع طبقاتی آن که در تقاضای قدرت حاکم قرار داشت، میز خود و اندولوزی خود در میازره رژیم شاه را در ندادت محامدین و دیگر انقلابیون می یافتید و خیره و میبوت به آنها مینگریستید ولی امروز شهدای آنان را «دزد» مینا میدو برای زنده هاتان خط و نشان میکنند!

میرساند، چنانچه اطلاع دارد بعد از زیادی از جوانهای صلحان و منددین گرفتارند (حالی - کوبند «مرگ بر منافقین!») وعده ای از آنان در معرض خطرا عدم قرار گرفته اند (ا امروز در مجلس شورای برای آنان تقاضای اعدام میکنند! تخلی آنان نتمت بدینا شرا بلایی و اطلاعات وسیع و عمیق آنان بر احکام و مفهفات مذهبی معروف و مورد توجه همه آقایان و روحانیون واقع شده است (آیامی بسند حریفهای دیروز و امروز آقایان چند را چمنفوت دارد؟! این دقیقاً انعکاس موقع طبقاتی آنان است، که در ماحبه شرح داده شده... و بعضی از مراجع و جمعی از علما بلاد انداماتی برای نخلی آنان کرده اند و چیز - هائی نوشته شده، بجای لازم است از طرف حضرت عالی بنزد در تقویت و حفظ و ما آسان چیزی منتشر شود. اس معنی در شرایط فعلی

عنت شما من ما با آیت الله خمینی با توجه به سو! بن غنید او با تا ه، حلب باری و پیتینا نی او در مبارزه علیه امیریا لیم آمریکا در رژیم ما بود. ما آزادی و بهروزی توده های زحمتکش و پیتیمبر آزرو زمان تحقق آرمانهای واقعی اسلام را حذف داشتیم، در صورتیکه همه سبای مبارزاتی آن اشخاص بسیار محدود و مبهم بود. ما با طرهما ان التقاط و دوگانگی در اندولوزیمان، در عین حال که خلاف سبب اهداف و برنامهای خودمان با اهداف آیت الله خمینی را در کم میکردیم ولی نسبت به تقاط اشراک او با خودمان دچار توهم بودیم، ما حتی سبب از و طلابی که از خانواده های زحمتکش سبب - خاسته بودند (نظیر همین آقای هاشمی) و هنوز دستمان به معرکه نیکن سرما به داران نرسیده بود، فرقی میکند! شتم و این ناشی از با نگاه طبقاتی مان و سببکت همان برداشتهای ناخشی بود که در ما رکبیم نلینیم داد تقیم، در عین حال چون درک کاملی از تحلیل علمی و لبقا نسبی دارا نبودیم، نسبت به نیروهای نابیکسروکامی که تعدادشان با رژیم ما بسیار لیم در رخ محدودی بود دچار توهم میشدیم که مثلا آیت الله خمینی متواند درک و موقع ما را نسبت به ما شل - مبارزه موردنا شود و حمایت فرار دهد!

باری، وقتی ما به اسلام نگاه میکردیم، «جهاد» و مبارزه آشنی ناید بر بار رژیم ما می فهمیدیم و دراز راه خود را با هر کسی که در راه مبارزه با امیریا لیم و رژیم دست نمانده ما مبارزه کند - من جمله کمونیستها - همراه ما دستیم (رجوع شود به دعوات مجاهد شهید علی مبین دوست و معاله «درباره آنها ما تا آخر رژیم» ۱۳۵۲)؛ در صورتیکه از همان اسلام که ما امیریا اندولوسوزی خودمانی میکردیم، سببترین براسان ما هیست طبقاتی شان درکی دیگر ندارند. ما مبارزه افشار متوسط و با نین خورده بورژوازی نخت سبب را نمانندگی میکردیم که هر روز نخت فتنه سرمایه - داری وابسته، سبب طبقه کارگر را نمانده میشد در صورتیکه آیت الله خمینی نلیرم نمانده با سلطنت، فخر خورده بورژوازی مرفه نسبی را نمانندگی میکرد و منادی حکومتی بود که سبب و بزگی «ولایت فقیه» مشخص میشد و میبست سبب از اینها او به اصل مالکیت خصوصی بروسانل تولید کالا اعتقاد داشته و دارو محدودیتی هم نمی - تواند برای آن قائل باشد. علت اینکه کسب - اخضا دیربان ساده «تهیه شده بوسله ما زمان (مجاهدین) بنقدربین برخی ار طرف سبب داران سازمان ناراحتی و مخالفت بر میا نگیخت، همین مسئله تا کید آن کتاب برالفا - استمارا سبب (هر چند آن کتاب، معقلا طرحی علمی برای حل مسئله استمارا را سببوا نمانده و آتشده و آتشده به التقاط بود).

در ادامه میبستی که برای شما گفتیم در بیمن ماه سال ۵۰ ما تصمیم گرفتیم طی تماس هائی با آیت الله خمینی، اصول نظرات و پیتین خود را

با ایشان در میان بگذاریم. آیت الله خمینی و روزنامه های اطلاعات و جمهوری اسلامی و رادیو و کسانیکه از پشته های اجساد شهیدان انقلاب برای خویش و طبقه شان منبر و تریبون ساخته، به فریب توده ها برداخته، انقلاب دمکراتیک و خدا مبریا لیمینی خلق را، هر چند موقت از پیشروی مانع گشته اند، ما را به «فریبکاری» متهم می شما بند و از می کنند که گویا ما در گذشته در طرح مسائل اعتقادیمان دروغ میگفته ایم! ما درک خود از اسلام را صریحاً سبب می کردیم. ما روی پای خود ایستاده بودیم، ما مقلد کسی در امر مبارزه با امیریا لیم نبودیم، پایبندی ما مبارزه کردن اجازه از کسی نمیخواستیم. این منطق مبارزه طبقاتی بود که در آن سالها هسته های انقلابی شکل میگرفت و هیچ نیازی هم به اجازه رهبر سفیدان قوم نمیدید. سازمانهای

انقلابی نه با اجازه کسی بوجود آمده و سبب با تکذیب کسی از هم میباید. اما روزنامه اطلاعات که سازمانهای انقلابی را فرمایشی مینماید، وقیحا نه یکروز پس از سخنرانی آیت الله خمینی، سازمان مجاهدین را وعده مقلاتی شدن میدهد! (بر مقاله اطلاعات ۵ تیر) باری، ما بر اساس همان پیتین و سیاستی که ذکر کردیم و با همان توقع محدود ما آتشده توهم، در بیمن ۱۳۵۰ جلساتی با آیت الله خمینی داشتیم و رفیق حسین روحانی (برادر مجاهد ما) در آن زمان نظرات سازمان را در زمینه اندولوزی، استراتژی مبارزه مسلحانه و تحلیل از وضع جامعه، تاریخچه انقلابات اجتماعی و خدا مبریا لیمینی و... بر تفصیل برای آیت الله بیان کرد. خود رفیق، با دقت بیشتری به اسپن سؤال شما متواند پاسخ دهد. ادا م دارد



امپریالیسم آمریکا عربستان سعودی را مسلح می کند

پس از سقوط رژیم سرسپرد شاه امیریا لیسیم آمریکا بیش از گذشته به تقویت رژیم وابسته عربستان سعودی پرداخته است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق فرصت دیگری بود تا آمریکا نوکران خود را بیشتر مسلح نماید و نفوذ امیریا لیسیتی خود را در منطقه تحکیم کند. هماکنون در مبداء نیم دولت کارتر تجدیدی پیش چهار هواپیمای آواکس تحویل رژیم ارتجاعی عربستان داده است. هواپیمای ها که وظیفه اصلی شان جاسوسی در منطقه است قادر به گردآوری اطلاعات از مسافت ۴۰۲ تا ۵۶۳ کیلومتری می باشند. بدین حال تحویل این هواپیمای ها در یک سویت ۹۶ کارشناس نظامی آمریکا شای برای نصب ویکارا انداختن دستگاه های رادار به عربستان رفته اند و در نیویورک دیگر از جانب پینا کون چهار رصدهنرا از متخصصین موشکهای زمین به هوا به این کشور اعزام شده اند البته تا گفته نمائند که در عربستان سعودی بین ۱۰ تا ۲۰ هزار مستشار نظامی و جاسوس آمریکائی و حدود ۲۵۰۰ مستشار فرانسوی و انگلیسی وجود دارند. مستشاران امپریالیستی آموزش و هدایت ارتش ۷۰ هزار نفری سعودی و سلاحهای مدرن آنها بعهده دارند. بعلاوه امیریا لیسیم آمریکا اخیرا تعدادی موشکهای ضد هوایی "هاوک" در اختیار عمان گذاشته و پنج تا و جنگی در جنوب شرفی خلیج فارس مستقر کرده است. در ضمن آمریکا رژیم وابسته به خود را در رافرا موش نگرده است. دولت کارتر در نظر دارد یکصد تا یک صد و پنجاه هواپیمای و بیرون افکن های ویژه را به اردن بدهد و اضافه بر این اعلام شده است که رژیم حسین جلاد میتواند سلاحهای ساخت آمریکا را به عراق بدهد بدین ترتیب می بینیم که امیریا لیسیم با نکی برای بسط نفوذ و غارتگریهای خود چگونه از موقعیتی که جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوجود آورده استفاده میکند و میکند و میکوشد تا سلاحها و ابزار جنگی خود را به رژیمهای ارتجاعی منطقه بفرشد. این امر یکا ردیگر نشان میدهد که چگونه این جنگ به امیریا لیسیتی سود میرساند.

سوداگری تسلیحاتی امپریالیسم فرانسه

اخیرا امیریا لیسیم فرانسه و رژیم سعودی یک قرارداد نظامی امضا کردند. این قرارداد به مبلغ ۱۴ میلیارد فرانک (معادل ۳/۴ میلیارد دلار) میباشد. بر اساس این قرارداد در عربستان چهار رکتی دوز ارتشی مجهز به موشکهای خودکار زمین به زمین، دو کشتی نفت کش مخصوص ناوگان نظامی به ظرفیت ۱۷ هزار تن و همچنین تعدادی هلیکوپترهای دو قسین مجهز به موشک و موشک ضد کشتی تحویل میگردد. طبق این قرارداد نیروی دریائی عربستان که از یک هزار نفر تشکیل شده توسعه یافته و مجهز خواهد شد. این قرارداد دخالتهای وزارت دفاع فرانسه بر رکتیترین قراردادی است که تا به کنون فرانسه با یک کشور خارجی منعقد کرده است. در ماه سپتامبر امیریا لیسیم فرانسه قراردادی با قطر برای فروش رکتی مجهز به موشکهای زمین به زمین با برده ۴۰ کیلومتر امضا نمود. بعلاوه مذاکراتی بین امیریا لیسیم فرانسه و رژیم خائن صدام برای اسفاد قرارداد جهت تجهیز نیروی دریائی فرانسه در جریان است. بعلاوه چندی پیش که نیروی هوایی جمهوری اسلامی قسمتی از تجهیزات اتسی عراق را بمساران نمود، عراق برای حراست از بقیه تجهیزات اتسی خود که ساخت فرانسه میباشد، موشکهای زمین به هوای "کروبال" را فرانسوا در خواست نموده است. براساس این جنگ ارتجاعی به چه کسانسی سود میرساند؟



موضع چین درباره جنگ ایران و عراق

رویزونیستهای چینی معتقدند که ایران و عراق جنگ موجود را با بدپایان دهند. مینمای تحلیل آنان چیست؟ رویزونیستهای چینی

از اینجاست حرکت نمیکند که این جنگ دارای ماهیتی ارتجاعی است و بنا بر این باید پایان یابد. آنان معتقدند که رژیمهای ایران و عراق "مترقی" و متعلق به "جهان سوم" میباشد رویزونیستهای ساجهانی از اینجا حرکت نمیکند که این جنگ ضد مردمی برای کارگران و زمینکنان دو کشور فقر، فلاکت و رگسختی بسیار میارود و بنا بر این باید قطع شود. آنان هیچگاه به منافع توده ها نمی اندیشند، آنان همیشه از منافع بورژوازی حاکم در این کشورها حمایت میکنند. رویزونیستهای ساجهانی از اینجا حرکت نمیکند که امکان دارد این جنگ باعث تضعیف نفوذ امیریا لیسیتی اروپائی و آمریکائی در ایس کشورها شده و نتیجتا سوسال امپریالیسم نوری نفوذ گسترده تری پیدا نماید.

بقیه از صفحه ۴

تبلیغ...
رها شیبش ما رکتیسم - لنیسم را آنچنان با مبارزات توده ها درهم آمیزند که این تشویری بقول انگلس "به پوست و خون توده ها وارد شود"
پس تبلیغ برای رخنه در توده های وسیع برای وارد کردن تشویری مارکتیسم به گوشت و خون توده ها از طریق شرکت فعال در مبارزات سیاسی و اقتصادی توده ها، پاسخ صحیح به مسائل مبارزه طبقاتی و بطور کلی برای رهبری این مبارزات ضرورت هستی دارد و چنانکه بعدا خواهیم گفت تبلیغ از دیگر وظایف عملی می باشد. با بستن بیشتر توده های وسیع رخنه کند و آنان را بسوی مارکتیسم و راههای انقلابی آن جذب نماید.
پس از آنکه نظریات لنیسم تبلیغ را بتکفیم و قاننومندی های تبلیغ را بررسی کنیم، لازمست بیک نکته اشاره کنیم: از آنجا که تبلیغ برای تاثیر گذاردن و جذب توده های وسیع، ابزاری مهم و حیاتی است، نه تنها کمونیستها، بلکه سرما به داران و اصولا نمایندگان سیاسی کلیه طبقات در سراسر جهان همواره به آن توجه فراوان میدول داشته اند. تما می طبقات جامعه همواره کوشیده اند، پاسخ خود را به مسائل مبارزات طبقاتی توده ها از دیدگاه منافع طبقاتی خودشان بدهند و بطور کلی ایدئولوژی طبقاتیشان را بنیان توده های وسیع ببرند، تا حاکمیت طبقاتیشان را ممکن سازند. مثلا طبقات استعمارگر در وطن تاریخی همواره کوشیده اند تا با تبلیغ خود، مبارزات طبقاتی توده ها را به بند کشند و از درجهار - خوب منافع طبقاتیشان بکار گیرند و در این راه

نصفه از صفحه ۱ باز هم...

اما چه می‌تواند...
نابیل بعد از کاری جسدا حازه بدهد
بنا بندد و ما از پیش اینکار کرده ایم و شاید
حدود صد نفر دعوت شده اند. (انقلاب اسلامی
۱۹ مهر)

اکنون کارگران و زحمتکشان ما از حدود
می برسند: چرا رژیم جمهوری اسلامی این سر-
سپردگان امپریالیسم را با ردیکره خدمت در
ارتش فرا میخواند؟ سرما به داران هردو کشور
ایران و عراق برای دفاع از منافع خاص خود
نما دستکای برای سرکوب کردن در جنگ کمونی
بکار گرفته اند. برای آنها از سبب رفسن هزاران
سوار زحمتکشان دو کشور کوچکتر این اهمیتی
ندارد. آنچه که اهمیت دارد، دفاع از منافع
طبقاتی خود در مقابل سرما به داران کشور
دیگر است در همین رابطه می توان گفت که رژیم
جمهوری اسلامی برای اصطلاح "دفاع از میهن"
با در واقع دفاع از منافع خود، از فرماندهان
مردور اخراج شده دعوت کرده است که در جنگ
سرکوب کنند و البته آنها نیز با جان و دل نیس
بدان کار داده و خواهانند. چرا که این مزدور
- ان برای هموار کردن راه نفوذ کامل امپریا
- لیسم جاره ای از خدمت کردن به سوز و آزی
ندارند. حال با توجه به موارد فوق رژیم جمهوری
اسلامی بخصوص سنی صدور حمله از دعوت
فرماندهان مزدور ارتش شاهی به کار محدود و جدت
دارند:

۱- نفی و بی‌ارزایی کامل ارتش آریامهری:
رژیم جمهوری اسلامی بواسطه جنگ ایران و
عراق فرصت مناسبی برای بازسازی کامل
ارتش آریامهری بدست آورده است همه
اعضای و فرماندهان ارتش و نظامیان
و محسن بر سنبل انقلابی ارتش در محدوده نگاه
بهران را بسیار دادریم و میدانی که از جمله
خواستهای آنها اخراج و محازات افسران و
فرماندهان جنا پیکار ارتش آریامهری بود ما
رژیم جمهوری اسلامی در پاسخ به خواستهای مردم
و بر سنبل انقلابی، آنها را دستگیر و زندانی کرده
و بر سنبل مبارزان ارتش اخراج کرد و در مقابل
نیسانان مزدور و سرسپرده ای همچون مدنی،
فرید، علوی، طهبز نیز دوفلاحی را در دستهای
فرماندهی خودشان ابقا نمود. مردم زحمتکش
ما می پرسند این در زمان حاکمیت شاه چگونه
به مقامات "تیمساری" رسیده اند، آیا بجرازه
قتل عام خلقهای زحمتکش ایران بدستور شاه
خدمت مستقیم به امپریالیسم آمریکا میخواستند
به چنین مناصبی برسند؟ مگر همین فلاحی نبود
که در سخنرانی اش در دادگاه فکری به تاریخ
۵۸/۴/۸ گفته بود:

"ما با بدو بسته به آمریکا با شیم و با بل
نظامی ما وابسته به امپریالیسم آمریکا
می باند و ما اطلاع نمی توانیم غیر منعهد
با شیم." (هفته نامه سرباز و انقلاب شماره ۹)

آیا چنین مزدورانی می توانند از زحمت -
کشان و منافع آنها دفاع کنند؟ مگر همی-
"طهبز زاده" نبود که با همدستی "چمران" خاشن
خانها و ساواکها را در کردستان بر علیه خلق
کردم صلح میکرد؟ در این رابطه منتهی که ملاحظه
میکنید قسمتی از نامه ای است که "مهدوی بهادران"
فرستاده است: "آیت الله خمینی" به کردستان برای او
فرستاده است:

"بعضی از اذله و نواهد در دست است که در
کردستان و آذربایجان غربی یک نوطشه
مرمور در جریان است زیرا فاشود الهی
مالکینی که در رژیم گذشته عامل اجرائی
شاه در منطقه بوده اند توسط افرادی نظیر
آقای دکتر چمران، تیمسار طهبز زاده،
فرمانده لشکر ۶۴، سرهنگ شهبازیان و سایر
فرماندهان ارتشی و ژاندارمری تاسن -

دندان ملحق شده اند." (با مذا ۵۹/۷/۲۶)
اسان نورحمان آقای حمینی و منصوب
اسان هستند و از به نام محاسباتی که در قبیل
از شما بدستور رژیم سرسپرده شاه و بعد از شما
بدستور جمهوری اسلامی انجام داده اند از خوش -
بامرسی افسران شاهسای در سردر رژیم جمهوری
اسلامی و محبوب آیت الله خمینی می تاسند.

اکنون سنی جدرالینها موافقت آیت الله
حمینی آید و از ما ستکاران ارتشی که
جنا با ما بر همکن نوسند نیست، به خدمت
فرا خوانده اند. با در جنگ ایران و عراق شرکت
کنند. و بنقل ایان "جرت" خود را تاسن نمایند
زحمتکشان ما می پرسند که خلدان در روز خلقهای
ایران با دستهای نامرئی آلوده بخون زحمتکشان
امروز چگونه می توانند ما کپان "حر" و با کیزه
کردند. بدنام ما بدینا، فرسی یعنی نسبت رژیم
جمهوری اسلامی تاسن تسلیمات عوام فرسایند
خود میخواهند ارتش آریامهری را برای سرکوب و
کشتار خلقها، و نیروهای انقلابی نفوسنت و
نسبت نمایند.

۲- کشتار بیرحمانه زحمتکشان عراقی بدست
جنا پیکاران اخراج شده از ارتش

رژیم بعثتی عراق با سازمان مناسط
مسکونی، مردم بی دفاع مناطق جنوب ایران را
ببلاکت می رساند. رژیم جمهوری اسلامی نیز
بتلافی آن، از قسب القلب ترس جنا پیکاران
خدمتگزار شاه خاشن برای کشتار زحمتکشان
عراق کمک میکند. چون رژیم میداند در حالی
که جان هزاران نفر از زحمتکشان ایران در قتل
از قیام برای این مزدوران بیبیزی ارزش نداشته
جان زحمتکشان و خلقهای عراق نیز کوچکتر نیس
ارزشی در پیش ایان نخواهد داشت. و از آنجا
که بر سنبل انقلابی ارتش از سن دادن به ایسن
جنگ و ادا به کشتار خلقهای دو کشور خودداری می
- کند نیس برای کشتار هر چه وسیعتر زحمتکشان
عراق رژیم از افسران و خلبانان اخراج شده
وابسته به امپریالیسم کمک نمیگیرد.
حال زحمتکشان ما می پرسند مگر این افراد

اجراج شده حتی بزم خود رژیم جمهوری اسلامی
"ساواکها"، "فدائولابیون"، "وطن فروشان"،
"خاشن به خدا و خلق" و "مفسدین فی الارض"
نبودند؟ اگر بودند چرا تا بحال اعدام نشده اند
چرا با ردیکره برای خدمت در ارتش و جنگ با عراق
و برای اصطلاح دفاع از میهن به خدمت فسران -
خوانده شده اند؟ شرکت جنا پیکاران اخراج شده
ارتش شاهسای در این جنگ دلیل دیگری بر
ماهیت ارتجاعی و غیرعادلانه آن می باشد. برای
زحمتکشان ما بکار گرفتن این عناصر مزدور
توسط رژیم جمهوری اسلامی امری طبیعی است.
چرا که رژیم برای سرکوب توده ها و انقلاب سازمند
کمک این جنا پیکاران و مزدوران سرسپرده
امپریالیسم می یابد.



مثلا امپراطوران برده دار فاشودال برای
تسلیم ایده "ترتبی الهی" خود بر سر برده ها و
رعیتها تاسن از مناسبت خود سنا یا به ویرتکوه
جلال و سیراز مناسک مذهبی سودمی هستند. رژه -
های بر طمطراق لشکری تاسن، لباسهای طلائی
و پرزری و سرق، سخنهای روانسان که به سر دوش
سردکان حمل مسند، کاخهای عظیم و افسانه ای -
تان و معبد های حیرت انگیزی که میساختند، در
حقیقت برای رخیده در میان توده ها، برای وارد
ساختن ایده برتری آنان به رعیتها تاسن، برای
وارد کردن احساس ترس، ارعاب و احترام همراستا
به نقد من اختلاف طبقاتی خود با زحمتکشان، به
کوبت و خون توده ها بود. در این راه طبقات
استعمارگر از مذهب، مناسک و عبادات مذهبی
هنر (نقاشی، مجسمه سازی، معماری، موسیقی
خطاب و...) ادبیات، رژه های نظامی و...
استفاده میکنند.

همس مسئله مهم که همه طبقات و از جمله
بورژوازی میگوید سناخ خود را به مسائل مبارزه
طبقاتی توده ها با کوبت و خون آنها درهم آمیزد
ضرورت شرکت فعال در تسلیم را برای کمونیست
- ها مدجندان میکنند و صولا بدون شرکت فسا
در امر تسلیم نمی توان ادعای شرکت فعال در
مبارزات طبقاتی توده ها و وسیع آن ادعای
رهبری مبارزات طبقاتی آنان و تحقق آرمان
سوسالیسم را داشت.

تسلیم از آنجا که برای جذب توده های وسیع
است می باستی مسائل توده ها را نیز کما ملا در
نظر گیرد. تسلیم برای آنکه با توده ها درهم
آمیزد، می باستی غرابیطبقاتی واحساسات
متغیر توده ها و نیازهای آنان را بشناود و آنرا
در نظر گیرد و اینهمه را در منافع استراتژیک
توده ها با بد انجام دهد. بی آنکه بد دنبال جریان
خود بخود توده ها بیفتد و یا از آنان، منفرد شود.
ما قانومندی های تسلیم، وانحرافات
روزیونیستی و آنارشیستی در تسلیم، انبوع
تسلیم وانحرافات مربوط به آن، مشخصات تسلیم
و رابطه تسلیم با ترویج و سازماندهی را بتدریج
در شماره های بعدی پیکار خواهم آورد.

ادامه دارد

منقضیان ۵۶ برای کردستان یا برای مرز؟

طبق گفته بعضی از منقضیان خدمت سال ۵۶ که برای دیدن دوره آموزشی به تهران آمده اند رژیم تمسیم دار دتا عده ای از آنان را برای جنگ در کردستان بفرستد. این تمسیم جنتا یکتا رانه رژیم باعث شده تا یکسری از افراد منقخی فرار کنند. رژیم حاکم یکدم از سرکوب جنبش خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق قهرمان کرد غافل نمیشود. رژیم در جنوب سرپا زان را به گوشت دم - توب تبدیل کرده و برای جان آنان هیچ ارزشی قائل نمی باشد و در کردستان به ارسال نیسرو دست میزند تا جنبش خلق کرد را سرکوب نماید.

فرمانده نیروهای "جریکی" ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

رژیم برای مقابله با ارتش ارتجاعی عراق در غرب کشور یک نیروی جریکی ایجاد کرده است فرمانده این نیروها تیمسار ملک نام دارد. این فرمانده مزدور ارتش شاه، در سرکوب خلق قهرمان عمان مستقیماً شرکت داشته و از فرماندهانی است که همراه ارتش آمریکا بی شاه به ظفار رفته بود و بعداً زقیام نیز از طرف رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد، به فرماندهی عملیات مهاباد گمارده شده بود تا از تحریکات ضد انقلابی خودسرای کشتار زحمتکشان کردستان اسفاده کند.

آبادان ۵۹/۷/۱۹

ادامه جنگ هر روز بیش از پیش فاصله رژیم جمهوری اسلامی و مردم را بیشتر میکند. با گفتگو - هائی که با کارگران و زحمتکشان دشتیسم انزجار خود را از جنگ بیان میگردند و رژیم را عامل بروز آن میدانستند. در میان زحمتکشان گروهی هستند که بخاطر ستم آکا هسی در اثر اوضاع نابسامان کنونی، کواشانی به وضع گذشته پیدا کرده اند که این امر وظیفه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها را در دادن آکاهی و افشاکری بیشتر و بیشتر می کند تا زحمتکشان با بریدن از رژیم جمهوری اسلامی سمت انقلاب کشیده شوند.

اهواز

بدنبال بروز جنگ بین دودولت ایران و عراق عده ای از نمایندگان با صلاح مردم بطرف خوزستان سرازیر شدند. آنها در بحثها و مصاحبه های تلویزیونی خود در اهواز با انواع توجیحات عوامفریبانه برای تطهیر ارتش آریا مهری و جا - دادن آن در دل مردم متوسل شدند و در همینجا موضع ضد مردمی خود را بخوبی مشخص کردند. خا منهای، این با صلاح نماینده سردمدار حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی و نماینده امام در وزارت دفاع و ایضا امام جمعه

منتخبی از اخبار جنگ

تهران و همچنین معادیه خواه، این عنصر جلاد و قاتل، در معاصه تلویزیونی خود در اهواز می گویند: "مردم مسلمان و متعهد ما در شهر با دست خالی واللله کبیر در مقابل ارتش عسراق ایستادگی می کنند. فقط عده ای عیاش و خوش گذران شهرها را تخلیه میکنند و... همین جمله برای بیان خملت ضد مردمی اینان و همپا لکی - هایشان گویاست این مرتجعین، مردم بی دفاع را که حاضر شرکت در جنگ غیر عادلانه نیستند و به ناچار مجبور به ترک شهر شده اند، مثنی عیاش و خوشگذران مینامد. در حالیکه خود جرات نزدیک شدن به خط مقدم جبهه را ندارند، از آنها میخواهند که تن به شهادت بدهند!

اهواز ۵۹/۷/۲۰

در حالیکه مردم بر اثر سماران شهرها ناچار به ترک شهر و دیار خود میشوند، را دیوا هواز و رادیو - های خوزستان مرتب اطلاعیه ها در کرده و سه مردم خطا می کنند که هر کس شهر را ترک کند، با قوانین زمان جنگ با وی رفتار خواهد شد. ادارات اطلاعیه میدهند و میگویند هر روز حضور و غیاب کارکنان به استناداری تسلیم میشود با غا شین هما نتد زمان جنگ رفتار میشود!

دزفول ۵۹/۷/۱۶

در اثر اضا بت سه مویک زمین، به زمین مطلقه بزرگی در کوه خرسند که ۲۰ خا نواده در آن زندگی میکردند بکلی ویران شده است و بیش از ۶۰ نفر کشته شده است. این محله از فقیرنشین ترین محلات دزفول است. پسر خرد سالی که خا نه عمویش ویران شده بود میگفت: "همیشه فقیر فقراد جنگ کشته میشوند. در این ناحیه تنها یک خا نواده کد

زیر زمین داشتند از واقعه جان سالم بدر برده بودند. این مسئله نشان میدهد که اگر مردم ما از وسائل ایمنی برخوردار نبودند تلفات بسیار کمتری بود. اکثر مردم دزفول شهر را ترک کرده - اند و کس در سنگرها دیده نمیشود. پاسداران دشم از مردم میخواهند که زیر لوای مساجد مسلح شوند. مردم زحمتکشی که در شهر مانده اند با کمبود مایحتاج روبرو هستند. آنان در هر بر خور دی نفرت خود را از جنگ نشان میدهند.

شیراز ۵۹/۷/۲۰

آبادانی های رانده شده از خانه شان، در ادامه جنگ تحملی و ارتجاعی دست به افشاگریهای وسیعی زده و نفرت خود را از رژیم جنگ غیر عادلانه شان میدهند. مقامات محلی با وحشت از این فعالیت افشاکران که تا شیرزادی روی مردم میگذارد دست به اقدامات گوناگون زده اند سپاه پاسداران اطلاعیه داده و آنها را "فراریان از جنگ" نامیده و گفته عده ای از آنان را دستگیر کرده اسامو "هتدار" داده که "گول آنها را نخورید" که "اینها نوکران حلقه بگوش میرا لیم آمریکا هستند." استاندار ماصا حبه کرده و گفته که فقط خا نواده ارتشیان را جا میدهم و "امام جمعه" مرتجع در نماز جمعه از مردم خواسته که به "روی زبهای اس - هاتف سبنا ندازید" این نمونه ای از رفتار غیر انسانی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی سبنا کسان است که با هزار مصیبت خود را از زیر سببارانهای ارتش ارتجاعی رژیم یعنی عراق نجات داده و آواره شهرها کشته اند.

منطق رژیم نیست، در شیرزادی عسبان سبنا نید اگر کشته نید شهید هستید و به بهت می - روید اولی این مرتجعین که لالائی بلند معلوم نیست چرا خودشان خواسان نمی برد!



بهره برداری عوامفریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

بقیه از صفحه ۲۴ یادداشتها...

به ۳ سودبیتی صدور ترکیب فعلی در شرایط فقدان جبران ۵ به ۳ بود عرب جمهوری و در شرایط حضور ۴۰ به ۴ مساوی است) و این همان چیزی است که احتمالاً ولایت فقیه طبق گفته سنی صدر بر بنیهای دوی افزوده است. اگر چه کمپان بنی صدر عنوان رسمی فرما نده کل قوا را دارد، اما فرمان آیت الله خمینی هرگونه امکان فرماندهی واقعی را از او سلب کرده است. این مسئله را هاشمی رفسنجانی نیز در معاضه خود تصریح کرده است:

"س: آیا این درست است که آقای رئیسی جمهوریت دیگر تنها مسئول و رئیس ارتش نیست؟ ج: هاشمی رفسنجانی: "جنگ را الان باید شورای عالی دفاع اداره کند" (انقلاب اسلامی، ۲۲، مهر)

جالب اینجاست که جلوی منکک گونیهای آقای بنی صدر به حزب جمهوری نیز گرفته شده است، چرا که فرما نده کل قوا! یا سب برای نخستین بار معاضه ها و بنطها، بش از شورای عالی دفاع اجازه بگیرد (طبق فرمان آیت الله خمینی). بدست آوردن یک امتیاز (تمرکز) و درست دادن بیک امتیاز دیگر (تغییر ترکیب شورا) گرفته شدن فرماندهی واقعی کل قوا از بنی صدر) را در سخنان فلاحی میتوان بخوبی دریافت. او از یکطرف با دل سردی گفت:

"من بعنوان یک عضو نظامی این شورا در گذشته وظایف خود را انجام میدادم و در آینده هم بعنوان عضو این شورا به آن وظایف ادامه میدهم."

و از طرف دیگر ضرورت تمرکز و ایجاد قدرتی برای حرف شنوی ارگانهای تابعه حزب جمهوری را ضروری میسورد:

"من حضور شورا را بر اساس این اصل که نظارت مستقیم و هماهنگی و همکاری نیرو - های مختلف مردمی در منطقه تا مبین میکنند، بسیار ضروری و مفید میدانم."

(انقلاب اسلامی، ۲۲، مهر)
فرمانده سیدها با ساداران نیز وجود این شورا را عاملی برای تحقق وحدت کلمه (وحدت لیبیرالها و حزب جمهوری) نانشید کرد.

شورای عالی دفاع در حقیقت مصالحه دیگری بین جناحهای رقیب در هیئت حاکمه بود تا هماهنگی بیشتری میان این جناحها ایجاد کند. اما بیهرم صورت دعوا بر سر سرکردگی و اعمال رهبری در سیاستهای هیئت حاکمه همچنان بر جای خود باقی است و ما از این پس هم گش و قوسهای بازمی بینتری را میان جناحهای رقیب شاهد خواهیم بود.

پنج نکته در سخنان بنی صدر

● نکته اول: بنی صدر، جنایتکار جنگی

آقای بنی صدر در سخنان خویش در هفته

گذشته، ما هیت بورژواش را هر چه بیشتر آشکار ساخت و در معاضه تلفظی با تلویزیون گفت: "در صورتیکه عراق به بمباران شهرهای ایران ادامه دهد، از مردم عراق خواهیم خواست شهرها را ترک کنند تا جواب آنها را بدهیم." (کپهان ۱۹، مهر)

بدین ترتیب آقای بنی صدر اعلام کرده مناطق مسکونی عراق را بمباران خواهد کرد. ما در اینجا نمیخواهیم این حقیقت را که تا کنون رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق مناطق مسکونی کشورهای یکدیگر را بمباران کرده اند، با رگو کنیم. فقط این اعتراف بپی صدر: افشا می کنیم.

آقای بنی صدر، بمباران مناطق مسکونی یک جنایت عظیم است که از قماش هتلر هابریما بد طبع است. اقدام جنایتکارانه بنام شما در تاریخ ثبت خواهد شد. شاید بگوئید ما از مردم خواستیم که شهرها را ترک کنند. آقای بنی صدر شهرها را مردم عراق ترک کنند چه میشود؟! واره سیاستها شوند، از سی خانمانی و گرسنگی و سی غذایی تلف شوند، از آن گذشته، وسایل زندگی خود را که نمیتوانند ببرند. بمبارانهای شهرها حسی اگر بپذیریم که مردم شهرها را ترک کرده باشند، (که عملاً چنین چیزی نیست) برای زحمتکشان عراق بقیتم سی خانمانی، آوارگی و زدندست دادن کلیه هستی زندگیشان تمام میشود. جدا دستتان درد بکنند و ریدروی بسیاری از جلادان تاریخ را سفید می کنند.

● نکته دوم: بنی صدر رژیم را رسوا میکند!

آقای بنی صدر در همان معاضه گفت: "رژیم بعثت شهرهای... و سردشت در کردستان را بمباران کردند که موجب خرابیهای گسترده شد" (کپهان ۱۹، مهر)

گذشته از آنکه رژیم ایران سیر تا کنون با رها کردستان را بمباران کرده و اخیراً نیز در کردستان رژیم بعثت عراق خلق کرد را بمباران نموده و سپس بگردن فاشیستهای بعثت انداخته است. کاری نداریم. فرض کنیم بمباران اخیر سردشت کار فاشیستهای بعثت بوده است (در دو هفته اخیر هم جنگهای عراقی و هم فاشیستهای جمهوری اسلامی خلق کرد را بمباران کرده اند) آقای بنی صدر، شما، آیت الله خمینی، حزب جمهوری اسلامی و خلاصه همه جناحهای رژیم مگر بیوق و کرنا بر دشته بودید که پیشمرگان دلاور خلق کرد با عراقیها درارنا طند؟ پس چه شده است که؟

عراق بمباران کرده است. مگر سردشت زیر کنترل پیشمرگان دلاور کرد نیست، اگر سازمانهای انقلابی چون کومه له طبق ادعای دروغین شما با بعثیها در ارتش ط بودند، پس چرا عراق مناطق زیر کنترل این قهرمانان را زیر آتش بمبارانهای خود میگیرد؟ آقای بنی صدر، خود خویشتان را رسوا کرده است.

● نکته سوم: بنی صدر، ارتش عراق را تطهیر میکند

بنی صدر در معاضه اش (انقلاب اسلامی، ۲۵، مهر) میگوید:

"حساب ارتش عراق را هم حساب رژیم صدام حسن گاملا حدامی تمامیم."

آقای بنی صدر همانطور که حساب ارتش ضد خلقی ایران از حساب رژیم جمهوری اسلامی جدا نیست و کل رژیم جمهوری اسلامی با تفاق تمامی ارگانهایش از جمله ارتش، عاملین واقعی کشتار کارگران و زحمتکشان و خلق کرد، ترکس و... ایزارهایی برای بازاری سیستم سرمایه داری وابسته اند، همینطور هم حساب ارتش ضد خلقی عراق هیچوجه از حساب رژیم ارتجاعی بعثت جدا نیست و مجموعه هیئت حاکمه عراق (و از جمله ارتش) عامل کشتار کارگران، زحمتکشان و... خلق کرد عراق و جناحی کاروانی هستند که سالیهاست خلقهای عراق را استثمار کرده و کشتار میکنند. درست است که سربازان ارتشهای ایران و عراق فرزندان زحمتکشان دو کشور هستند، اما ارتش سیستمی جهنمی و ضد خلقی است و همواره جماعی سرکوب طبقات استثمارگر بر علیه زحمتکشان بوده است. این ارتشها ضد خلقی هستند، چرا که در جهت منافع سرمایه داران دو کشور سرکوب و کشتار میکنند، طبیعی است این ارتشها از زحمتکشان تشکیل میشوند و همانطور که همه ارتشهای جهان در تمامی جوامع طبقاتی از زحمتکشان نا آگاه تشکیل یافته اند، سیستم هدایت و کنترل ارتش تعیین کننده ما هیئت ارتش است و اینکه در خدمت کدام طبقات قرار دارد و نه وجود زحمتکشان نا آگاه تشکیل دهنده این ارتشها که همیشه گوشت دم توب ارتجاع هستند.

● نکته چهارم: بنی صدر ملک حسین را بخندمت در راه خلق فرامیخواند

در همان معاضه آقای بنی صدر میگوید: "اینجا (منظور ملک حسین است) تا زود است اگر از ما و از وقایع پند بگیرند و بسوی مردم خودشان برگردند و دست از نوکری ابر بردارند، برآند." (انقلاب اسلامی، ۲۵، مهر)

جناح بنی صدر، با دامن هست که چگونه آیت الله خمینی در قیام از سال ۴۲ و با زرگان، جنبه ملی و دیگر لیبیرالها حتی در سالهای ۵۶ و ۵۷، شاهخائن را نصیحت میکردند، اما نگاه مزدور بنا به ما هیت طبقا تیش بیعی وابستگی به امپریالیسم آمریکا، جناحی کارواخن بود و نتایج آنچنانسی جز آنکه خاک در چشم نموده ها بیاید و امکان بازگشت شاه مزدور را به غلط برای توده ها تبلیغ کند و جواب لای جرح مبارزات انقلابی توده ها بگذارد تا شیری نداشت، شما

بقیه در صفحه ۲۱



رهنمود ما در قبال مسئله کوچ مردم جنگ زده خوزستان

رفقا! تعدادی نامه بدستمان رسیده است که در آنها پرسیده شده است، در برابر مسئله کوچ مردم از خوزستان، رفقای هوادار چه سیاستی را باید در پیش گیرند.

رفقا! کوچ مردم زحمتکش خوزستان به شهرهای دیگر نه از روی بزدلی و زبونی، بلکه به دلیل بیزاری ویی اعتنا نشینان نسبت به این جزایر ارتجاعی است. کوچ مردم از مناطق جنگ زده خوزستان میباید که شعار ما منبئی بر محکوم نمودن جنگ ارتجاعی، براحتی در میان زحمتکشان مناطق جنگ زده، قابل تبلیغ است. و خودتوده ها نیز این جنگ را محکوم میکنند؛ این حرکت روبرو نیستیها، سوسپال شوونیستها و کلیه دفاع طلبانی که انتظار داشتند مردم در این جنگ دست به مقاومت مسلحانه بزنند.

اما وظیفه رفقا در قبال توده های کوچ کنده:

۱- رفقا باید در میان توده های کوچ کنده می کنند بیشترین تبلیغ را علیه جنگ برآوردند چرا که اینان از آماج دگمی ذهنی بیشتری برخوردار هستند.

۲- رفقا باید در ارسال کمک های مادی گوناگون به توده های کوچ کنده بخصوس سکنای آنها در شهرها شای که بدینجا آمده اند، با تمام قوا بکوشند

۳- رفقا باید شعار "مسکن برای کوچ کنندگان" را در میان آنان برده و معاذره نقلایی هتل ها، کز عمومی و سکنای کوچ کنندگان را در آن ها تبلیغ نمایند.

۴- رفقا باید سخنان ضد انقلابی افرادی نظیر آیت الله دستغیب که در شیراز علیه کوچ کنندگان سخنرانی کرده و آنان را "فراری و ترسو" خطاب کرده و از مردم خواسته است که به کوچ کنندگان خانه ندهند، افشا کنند.

۵- رفقا باید در ارسال هر چه سریعتر گزارشات و اخبار رو عکس در مورد کوچ توده ها بکوشند و توضیحات خود را در مورد علل این کوچ و عکس العمل توده های شهرمان که کوچ کنندگان به آنها رفته اند بنویسند.

موفق باشید

● رفیق شیرکو

بیشترها مدت در مورد انتشار نشریه برای سربازان ارتش و فعالیت بیشتر در میان ارتش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

● نامه ای از یک مادر

نامه ای محبت آمیز در عین حال با کله و شکایت از ما در عزیزی بدستمان رسیده است ضمن درج بخش هایی از نامه، جواب آنرا نیز درج می کنیم.

ای بیکار عزیز: با روزهای سختی و مشقت فراوان بچه بزرگ کرده ام. ۴-۳-۴۰ دختر که با زحمت فراوان بزرگ کرده ام خودتان میدانید بزرگ کردن بچه قدر سخت است. الان اینها وقتی که با بداد زدن من بگیرند به من برسند، بیایند و برودند، من بیایم و درود و خلاصه به وضع من برسند... ۳-۴-۴۰ چهار بار برای بزرگ کردن بچه ها زحمت و مشقت زیاد درخت بزرگ کرده ام سال است که خواست معلم بشود و برای من پول بسیار و کله بخا طریبیکاری بودنش اخراجش کرده اند. یک خانه کوچک دارم. صبح میشو در در می زنند یکی از اینها دوتا از آنها و غیره می آیند وقتی می برسم با که کار دارم می گویند: (بیکار)... یک سرو عروس دارم که بیکاری نیستند و می گویند اینها کیست و آنها هم به من خرج نمی دهند و می گویند برو از بیکار بگیر. نمی دانم. به صفت نفت بروم. صف گوشت بروم با نان و بچه ها بهم همشان برای بیکار کار می کنند و به من نمی رسند. شما برای کارگران - زحمتکشان و مردم کار می کنید، من راه بهای یک زحمتکش بگذارید و به دردم هم برسید...

الان تابستان است من میروم با رک و بیرون می نشینم فردا که زمستان شدم چکار کنم به حال من فکری بکنید...

یک شوهر پیر و بیکیا ز دارم که چهار ده سال است که در خانه نشسته است و هر وقت بچه های بیکار می آیند و میروند میگوید اینها کی هستند و از این سئوالها و به هیچ کس هم درود نمی توانم بگویم به جز شما، در ضمن من میدانم که شما آدم های خوبی هستید و به شما اعتماد دارم من شما را از خیلی از مالاها ترجیح می دهم و این را هم میدانم که شما به هیچ کس نظری ندارید و همیشه کم می خولید و زیاد کار می کنید. ولی من به آن شوهر پیرم چه بگویم و مردم که چیزی حالیان نیست هر حرفی داشته باشد شما گفتم باید به دردم من برسید.

ما در عزیز: ضمن تشکر از نامه محبت آمیزت در پاسخ به آنچه نوشته ای چند نکته را ذکر می کنیم: اول از اینکه فرزندان در سگرسا زمان اینچنین فعالانه مبارزه می کنند بخود افتخار می کنیم.

دوم از اینکه شما نیز با آنها در راه فعالیت های انقلابی همکاری می کنید، نیز بخود می بالیم. سوم ما در جان! همانطور که میدانسی، کمونیستها جز منافع طبقه کارگر و زحمتکشان، به چیز دیگری فکرمی کنند. بنا بر این نمیتوان

توضیح چند نکته مهم

۱- رفقا! در ارسال پاسخ به پرسشنامه بیکار ۷۳ با آنکه سه هفته از آن میگذرد بسیاری از رفقا در پاسخ دادن تاخیر کرده اند. البته مسئله جنگ ایران و عراق و وظایف سنگینی که در این ارتباط بردوش رفقا قرار دارد، باعث گردیده تا مسئله پاسخ به پرسشها تحت الشعاع قرار گیرد. ضمن اینکه این دلیل تا حدی موجه است، اما نباید مانع از آن گردید که رفقا نسبت به وظایف دیگرشان، از جمله پاسخ به پرسشها، استی به خرج دهند. بار دیگر با آوری می کنیم که رفقا هر چه زودتر پرسشنامه را پاسخ دهند و برای ما ارسال دارند. در عین حال از کلیه رفقا می خواهم تا در مورد تغییرات وارد شده در بیکار از شماره ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ترکیب محتوای و شکل و زبان آن نیز نظرات خویش را ارسال دارند. بویژه نظر کارگران و زحمتکشان در این باره از اهمیت خاصی برخوردار است. چه ما در این دوره جدید فعالیت "بیکار" سعی کرده ایم در توده های تر نمودن شریه بطور همه جا سه بکوشیم. بیکار شما ره های نامیده میتوانند مملکت فضا و ت شما فرا گیرند.

۲- رفقا در ارسال اعلامیه ها، تراکت ها، نشریات محلی و فابریک برای "بیکار" بصورت فعال اقدام کنید تا ما بتوانیم گزیده ای از آن ها را در "بیکار" منعکس نمائیم.

۳- بسیاری از رفقا، اخبار و گزارشاتی را در نشریات فابریک و محلی منتشر میکنند بی آنکه آن اخبار و گزارشات را برای بیکار ارسال نمایند! رفقا فراموش نکنیم که نشریات فابریک و محلی "آلترنا تو" در برابر بیکار نیستند، بلکه مکمل آنند، "بیکار" نشریه مرکزی سازمان است و نشریات فابریک و محلی باید حول مضمون این نشریه مرکزی فعالیت نمایند. وانگهی غریستان اخبار برای بیکار و مندرج کردن آن در نشریات محلی و فابریک باعث میشود بیکار نتواند نقش واقعی خود را در انعکاس و رهبری مبارزات توده ها ایفا نماید و نتیجتا به نشریه ای روشن فکری تبدیل گردد.

ارسال سریع و منظم اخبار از کارخانجات، محلات و موسسات دیگر... باعث میگردد که "بیکار" نقش خود را در انعکاس مبارزه طبقاتی توده ها ایفا کرده، تا نیا نفوذش در میان توده ها هر چه بیشتر گسترش یابد، تا لثا به این ترتیب میتوان در برابر تفاقات و مسائل جاری به سرعت موضعگیری کرد و بلاخره اعتماد توده ها به نشریه بیشتر میگردد.

پیروز باشید

از هیچ کمونیستی انتظار داشت که از فعالیتها ی انقلابی اش دست بردارد و بنا به فعل خودش را بر منافع طبقه کارگر مقدم بدارد.

چهارم: کمونیستها هرگز سربا ردیگران نیستند

ملاحظات کوتاه

کشتن اسیران، سنت اسلامی؟

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲/۲۰ حرفه‌های غلغالی از اردابو پیش میشد، و میگفت: «با اسیران جنگ را میکشیم حضرت پیغمبر هم میگفت: «با بنکسده در جمهوری اسلامی اسیران را برخلاف کتبه قواستین بن المللی بکشند! مری عجیب نیست. کتبی که زندانیانی مثل رفقا دکترونوتند، سرداری، مهنا رمعندی، رهبران خلق ترکمن، مسعود - طالخی و جمالدینی و... را بکشند متواتر! کتند اسیران جنگ راهم بکشند. کشتن اسیران از طرف ترو و بنا بلشون چون ایکنه تنگی از سبعت آنان سربستان نشان مانده است. حالا میرغیب جمهوری اسلامی آقای خلغالی از آن بعنوان "کیم را" اسلامی دفاع میکند. کسی چه میداند! از اول هم که میگفتند میخواهیم "ملک محمدی" بریا کشیم منظورشان ضمن جرها بوده است!

افسار رابه دم می زند!

فلسفی، واعظ معروف دربارنا که او را در چند ماه پیش تا حدی معرفی کردیم دوباره به دلیل زبانی افتاده و کفنه است تا زرکانان ومدیران صنایع در آغاز انقلاب محورا عمدا بها و کوشش‌ها برای برانداختن رژیم طاغوت بودند و در آن مبارزه میان حق و باطل از اینا رجحان ومال دربیج نکردند (جمهوری اسلامی ۱۴ می) انقلابی که بس از اینا تلاطم و توفان و خون و زندان، از جنس خارج محدودده سال ۵۶ شروع شد و با نیا م زحمتکشان قهوسربرو ۱۷ شهریورشا نیام مسلحانه نبوده‌ای ۲۲ بهمن ۵۷ ادا مدیانت وبه سرتکوسی رژیم‌ها، خامنه‌ای سبانی بکه با خون زحمتکشان جرخید و سرما به داران ابریکش سوا استفا ده کردند و میکنند و حرف آقای فلسفی، حجت الاسلام مورد قبول رژیم جمهوری اسلامی جز تحریف و قبحا نه ناربیج، جز ستن افسار بیده دم الاغ نیست. خوب بود آقای فلسفی در برابر هزاران شهید از زحمتکشان فقط یکی هم از بازرکانان ومدیران صنایع سراغ میداد!

چپا و نگران "صلح و جنگ!"

امیریا لیستها که خطبات استشارا گرانده انکلی شان به منشا درجه خویش رسیده، هم از دوران با ضلح "صلح" میخورند هم از دوران جنگ آنها که حتی عمدا جنگهای منطقه‌ای را برپا میکنند تا خودسودش را برسد، از عواقب مصیبت - باری که جنگ بین دور رژیم ددخلی عراق و ایران از جنبه‌های مختلف برای توده‌های دو

رفیق م- از هسته هوادار سازمان اسلام شهر تا مهات رسد تحلیل سیاسی مورد نظرت در نشریه تئوریک پیکار خواهد آمد.

اشعار رسیده

● رفیق خ- الف

شعری که خطاب به رفقای سازمانی و رفقا حق شان و روحانی سروده و فرستاده بودی رسید ما ضمن ارج نهادن بر این همه صمیمت زبانی تو و کینه‌ای که نسبت به سرما به داران و کلیسه دشمنان طبقه کارگرداری تبعید و وظیفه خویش را یکبار دیگر مورد تاکید قرار میدهم که در راه تحقق آرمان بیرونیاربا، با همه وجود کوشا با شمیم و با سخگویی انطاری با شیم که رفقای خون سوز که فرزندان زحمتکش، زحمتکشی که سالها در آفتاب با لاینگاه آبا داند سوخته است هستی از سازمان ما دارند، اینک چند سطر از شعر بلندت را ریختن بخش صفحیات پیکار می کنیم:

رفیق! ندیدند در خونم جاری کش
ز سزاگدا و ج کینه‌ات بود
و بدخون شهیدان خلق قسم خورده‌ام
کدام ندیده‌های سازمانت را
تا آخرین نفس به میان توده‌ها برم
و آنگاه که طلا در رژیمم خورم را بریزد
با خونم، تا ما زمان پیکار...

را بر زمین خواهی نوشت.



از رفیق مهرداد - لک: شعر جنس، از رفیق م- زهو دار! زآبادان شعر: مبارزه طبقاتی زندگی من است، از رفیق کتا و روز - رامین شعر "سرت و بزه"، رفیق م- ۹۲ شعر "جنگ" و از رفیق "مرکت" شعر "جنگ ایران و عراق" با شکر از رفقا، منتظر دریافت دیگر آثار هنری شما برای صفحه "هنرمقاومت هنرپرو و لتری" هستیم.

پیروزی باشد



رفقای حوره قزوین، رفیق م- دانش - آموز، رفیق د- ج، رفیق ت- با از جبار محال - بختیاری رفیق غ- ج - ۱۲، رفیق دانش، آموز از دبیرستان فدای آزادی، رفیق ناصر - م، رفیق SI، رفیق علی کابوستانی، رفقای محلات جنوب غرب، رفقای کمیته کارمندان، رفیق م- با دانشجوی هوادار و رفیق دانش آموز - از غرب، تا ماه‌ها بیان رسید، پیشنهادات و انتقاداتتان مورد توجه قرار گرفت. برخی از سئوالات شما در پاسخ به نامه‌های این شماره و شماره‌های قبل و در نوشته‌های پیکار جواب داده شده است. ضمن شکر از همه شما رفقا در مورد برخورد انتقادی و معاللتان به پیکار، منتظر نامه‌های بعدیتان هستیم

پیروزی باشد!

انتقاد شما به رفقای فرزندان وارد است. آنها حتما با بیدارگرهای خانه، چه در کارهای زندگی، چه در تاسین در آمد و... شما را کمک کنند ما از فرزندان نشان مصرا میجو! هم که به این تکه توجه داشته باشند و اگر در امور خانه شرکت ندارند حتما این وضعیت را تغییر دهند.

بیم رفقای ما که فرزندان شما هستند اگر چه نیا بدیدت ارفقا لستهای انقلابی خود بکشند اما نیا بدیدت لست‌های آنها برای خانواده‌شان مزاحمت و ناراحتی بوجود می‌آورد. ما به عشق زحمتکشان رنده‌ام، بهمین دلیل حاضر نیستیم برای آسان مزاحمت و ناراحتی بوجود می‌آوریم ما در عزیزان ما مدوا ریم و ناسته با شیم در حل مشکلات کمک کنیم. منتظر نامه‌های دیگر است. با درود فراوان!

سباست آلبانی در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران

رفقای ریادی در مورد مواضع آلبانی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ایران اظهار تعجب نبوده‌اند و از سازمان خواسته‌اند که آلبانی را که از شرایط ایران خیردار نیست، در جریان نگذاریم. با بده! این رفقا گفت اگر چه سزاور نداریم که برخورد رفقای آلبانی نسبت به سبست ایران صرفا نای ازی اطلعی آنها باشد اما این همه اعتقاد داریم که ما بدیدت از ایدئولوژی یک فعالی را با رفقای آلبانی در بر خورده مجموعه مسائل ایران و جهان به پیش برد، در عین حال نظر شما رفقا را در مورد ضرورت انتقال اطلاعات از شرایط ایران به آلبانی برای غمی سسر نمودن آنها نسبت به وضعیت سیاسی و قدرت حاکم درست میدانیم در همین رابطه رفقای هوا دار خارج از کشور در ترجمه نشریات سازمان و قرار دادن آنها در اختیار رفقای آلبانی، با بسند فعالانه ترکیب کنند.

● رفیق ج- الف کارگر

نامه‌ها رسید. در مورد خبرنا مه جنگ و اهمیت آن، نظرات نومورتنای بد ما است. در مورد قیمت آن با توجه به محدودیت‌های مالی سازمان مجانی کردن آن امکان ندارد. ولی سعی می‌کنیم حداقل قیمت را بر سر ما البته همواره امکان توزیع مجانی آن نیز در موارد مشخص وجود دارد پیشنهادت در مورد درشت کردن حروف خبرنا مه و "پیکار"، جهت ساده تر شدن این نشریات برای کارگران و زحمتکشان اقدام نمودیم.

● رفیق کشاورز از ورامین

نامه‌ها در مورد شرح چگونگی استشارا رتو توسط سرما به داران و مستمگران بدستمان رسید با زهم گرا نانی از شرح حال کارورندگی است برایمان بفرست با میدروزی که هنر و نوع ستم و استشارا را نبود کنیم.

دفاع از میهن

سرما به در جنگ است
و مدافعان نقابدار استعمار
کوچه ها و خیابانها را
با زوزه های فریکارانه "دفاع از میهن"

بر کرده اند.

ستمگران
رودر رو

عرق کرده

خرابا سه میکشند

وسا زشکاران

جا کرانده آنان را با دمیزند.

برده کنندگان

زان رو که قافرا نه تر

نسمه از کرده برده ها برکشند

انبوه بردگان خودی را

به دفاع از حاکمیت بردگی میخوانند

وساران روز سبدا

غفلت را جا بزنی شمرند

نقابهای سرخ دروغین را

از چهره میدبرند

و شنا سناک

به دستگیران

نعره های "دفاع طلسمی" بر می آرند



آه ای واژه های مزور

ای بیرقهای سپید تسلیم

ای کلامهای عربیان سازش

اینک شما

با سرعت سرسام آور نور

از صف سرخ رنجبران

فاطمه میگنید
اینک تما چشمها خوا هندیید
بردوشهای لوزان تنان
این پرچم خونین سوسا لیم نیست
که افراشته میشود
در عمق تیره مردمکها تن
این اختران سرخ سوسا لیم نیست
که سو، سوزمند

اینک شما

تربان

بدنبال ستمگران

انبوه عاصی امواج خلق را

به ساحل سرما به فرا میخواند

اینک شما

اسمان سرخ خویش را

آنگار را

به بیکار توده ها

از دست می دهید

اینک شما

این مانداب سرما به را

با هزار زالی استعمار

همچون دریای بیگران آزاد

تقدیس میکنید

اینک تما منگها خوا هندیید

این لجنزارسترون

چرا که سرسبزتان شده است

اما

ما رهروان بیکارهای بی سازش

بی چشمداشت آشتی

با دشمنان آشتی ناپذیر

سیلاب خلق را بی وقفه

بسوی سرزمین سرخ رها می

خواهیم خواند!

(سرتوک)

ملاحظات کوتاه

کشور بیا آمده و خواهد مدتها گذشته شده و مسافر
اینجا به این نکته میخوانیم: راه کنیم که در
نتیجه این جنگ طی دوسه هفته گذشته امپریالیست
های فرانسوی دوقتراردا د فروش تجهیزات
نظامی را با سعودی (بمبلغ ۳/۵ میلیارد دلار)
و با دولت قطر بمبلغ ۳۰۰ میلیون دلار مضاف
کرده است. هواپیماهای آواکس آمریکا هم
باز به سعودی داده شده است.

جنگ با اشتها می سیری ناپذیر مهمات و
سلاحها را می بلعد و امپریالیستها با سرازیر
کردن سلاح به این جا و بیل بحر ان درونیشان
را فرو می نهند و اقعا در حال احتفالشان را
نبروی می بخشند!

معما از بلین رژیم جمهوری اسلامی

رژیم عراق یعنی است. رژیم سوریه هم یعنی
است. اولی "مردم مسلمان" عراق را سرکوب
کرده و میکنددومی هم "مردم مسلمان" سوری را.
اولی حزب الدعوه و بیکارا اسلامی عراق (که
دوستان جمهوری اسلامی هستند) را سرکوب می -
کننددومی هم خوان المسلمین را که با از
دوستان رژیم ایران است. اولی در سبها مبر
سیاه سال ۷۰ در اردن در سرکوب انقلاب فلسطین
شرکت کرددومی هم با دخالت نظامی در لبنان
کشتارتنل الزبیر را باعث شد، اولی با شوروی
قرارداد دوستی چندساله دارد، دومی هم همینطور
اولی افتخارات هارون الرشید را میخواند
زنده کند، دومی هم افتخارات بنی امیه را.
حالا بگوئید چرا رژیم یعنی عراق "کافر" است و رژیم
یعنی سوریه - بقول هاشمی رفسنجانی - "محرمان اسرار"!

بقیه از صفحه ۱۰ در چین...

اول نخست وزیری استعفاداد، اما کماکان مقام معان
رهبر حزب را در دست خود نگاه داشت، نکته ای که مهم است
اینجاست که "زائوها" که در انقلاب فرهنگی بعنوان
روشنیو نیست امیاشده بوده مقام نخست وزیری رسید.
"زائو" و "یهو" نیستی است که دارای خط مشترک با تنگ
مینباشد. احتمال میرود که در کنگره آینده که در سبها مبر
بازنویه آتی خواهد بود تغییرات با رژیم بیشتر در
جهت تقویت جناح تنگ صورت بگیرد.

آری امروزگان رهبری چین از ایدئولوژی و رهبران
مارکسیست لنینیست، خالی شده و جای آنها را روشن نیست
- های "پراتسین" گرفته اند. آری حزب مایکسیست
لنینیست با حزب تکونگواتها، به همصمیم و سوزوگواتها
روشنیو نیست تبدیل شده است، اماویزه گیمهای خط
مشی اینان کدامند؟ "اجلیبه مجلس ملی" چه خط مشی -
ای را مورد تمویب قرار داده است؟
اما چه دارد...

آری، رژیم در فکر توده های که بر اثر این
جنگ کشتار میشوند، زحمتکشانی که بی خانمان
و آواره میشوند، زنانی که بی شوهر میشوند و
کارگرانی که بیکار میشوند، بفکر قحطی، گرانوی و
فلاکت زحمتکشان نیست، بفکر تشبیت خویش است
رژیم به این می اندیشد که چگونه از توه توده ها
استفاده کند تا بیشتر برگرد زحمتکشان سوار
شودینی صدرو آیت الله خمینی در فکر این هستند
که چگونه خود را ناجی ملت جا بزند و آنگاه
توده های بیشتری را بفریبند و خود را تحکیم
بخشند. جنگ برای زحمتکشان ما فلاکت و بدبختی
به ارمغان می آورد، اما رژیم کاسیکارانه بسر
فلاکت و بدبختی توده ها تکیه زده و در اندیشه آن
است که چگونه از فلاکت زحمتکشان بسود خویش
استفاده کند. او کاری به زحمتکشان ندارد، در
اندیشه اینست که کلاهی از زحمتکشان انگیز جنگ
غیر عادلانه برای خویش تدارک ببینند. راستی
چه نفرت انگیز است خدا انقلاب که فلاکت زحمتکشان
را میخواند به بلکان ترقی خویش بدل سازد، اما
اگر بتواند زحمتکشان بگذارند....

بقیه از صفحه ۱۸ یادداشتهای...
نیز اکنون به فریب خلق ستم دیده اردن پرداخته
- ایدو میگویند نشان دهید که انگار راه بازگشتی
برای این سگ زنجیری امپریالیسم وجود دارد،
خیر تنها انقلاب راه حل خلق ستم دیده اردن است
و سخنان شما نیز نخواهد توانست، زحمتکشان تحت
ستم اردن را بفریبید و گامهایشان را در راه
سرتوکی رژیم ملک حسین خائن است نماید.

● نکته پنجم: بنی صدر از جنگ برای تثبیت رژیم استفاده میکند

در همان محاصره بنی مدرگفت:
"دوروز پیش که نزد ما مبودم ایشان مطلب
جالبی گفتند: ... اگر ما در این جنگ
پیروز شدیم این رژیم اسلامی بقدری مستحکم
خواهد شد که هیچکس نه در داخل و نه در خارج
از کشور به این زودیها هوس توطئه نخواهد
کرد."

بقیه از صفحه ۵

اخباری...

با ساداران (در همان محل) را خراب کرده مقداری خبرنا موشنا رهای انقلابی سردیوارها بحسب میگذا رند. بعد از اینکه پیشمرگان با آرا می عقب نشینی کردند سروکله با ساداران پیدا شد که از سرستان تمام کوههای منطقه را به رکیسار بستند.



۵۹/۷/۶ - پیشمرگان قهرمان کومه له در مسیر جاده (کا مباران سنندج) اتوبوسی را که حاکی ۴۵ سرباز بوده و به سنندج می رفته اند کشف کرده اند.



۵۹/۷/۷ - در این روز پیشمرگان بیکار (دسته شهید مسعود - شهید کریم) در جاده (مرسون - سنندج) در بین (بودار - نیژ تیز) در ساعت ۴ سونی را که از سنندج به طرف مریوان در حرکت بودیه رکیسار می بندند در اثر این تیر - اندازی ماشین آخر ستون از گارافتنا دو متوقف میشود. سرتشنان آن در اثر این تیرکام عمل پیشمرگان از هرگونه عکس العملی عاجز میمانند از نیروهای دشمن چند نفر کشته و زخمی میشود که از تعداد تلفات اطلاع دقیقی در دست نیست. بعد از این عمل پیشمرگان نالام به با بگاه های خود بر میگرددند.



۵۹/۷/۸ - بیش از ۲۰۰ نفر جاش و با سادار با سلاح های سنگین و خمپاره به روستای نجف آباد حمله بردند اما در اثر مقاومت پیشمرگان نتوانستند به داخل آبادی نفوذ کنند این حمله از ساعت ۱۱ تا ۱۸ ادا شد در این درگیری آسیبی به پیشمرگان نرسیده است. اما در اثر خمپاره باران کردن روستا های (آسوله، نجف آباد، سربتاب، کوله ساره) در آسوله یک نفر شهید و ۳ نفر زخمی شدند که حال یکی از خمپاره خیم است. مردی که در نزد ساداران به زخمی شدن دخترش اعتراض کرده با ساداران بی شرمانه تیری به کف دست او و تیری دیگر به ران او زده اند.

بعد از آنما درگیری بلافاصله یکدسته از پیشمرگان سازمان بیکار به سر جاده (کا مباران - سنندج) رفته و برای مسافران این جاده به بحث و افشگری درباره ما هیت دولت ایران - عراق میپردازند. حدود ساعت ۷ یک عدد تریلر برونج استاننداری را گرفته و تریلر فوق را با ۲۴ تن برونج آن معادله میکنند. راننده و کمشک راننده بعد از اینکه برایشان بحث میشود آزاد میگردند. این عمل در روحیه مردم تا شیر فراوانی داشت.

مزدوران رژیم از حمل میوه روستا ثیان اطراف ناکا مباران به شهر ما نعت به عمل میآورد تمام میوه های فوق در معرض فاسد شدن است. روحیه مردم خوب است و این نوکران سرما به با چنین کاری میخواهند مردم را به زانو آورده تا از آنها تعلق گویند اما برعکس روز بروز روحیه رزمندگی مردم بالاتر می رود.



نقده از صفحه ۹ - اشاراتی...

شهری و حتی بخشهایی از کارگران را سوسی خود جلب کند. پس از بدست گرفتن قدرت، منافق سوروزازی شور و کرات را با سادارها سادگی میکند. علمبرغم آنکه آنها به اقداماتی نظیر اصلاحات ارضی و دولتی کردن صنایع و بانکها و بازرگانی خارجی در هر دو کشور اقدام کرده اند و بنا بر همان سیاست جماعت و ناسیونالیستی که ذکر کردیم تحت فشارها رزات بوده ها مجبور به دادن امتیازاتی محدود به یعنی از فشار زمینگش شده اند ولی امتیازاتی که کارگران و زمینگشان ادا کرده اند تا رزمیهای که بدو حده سنگینی را با بدسترای موسسات شور و کراتک و پلیسی و ارتشی خود سپردند سرسریا سادند و توده های سرکوب شده همچنان تا تلفات دروغ و انحرافی، از مبارزه با امیرالاسم و صهیونیسم و ارتجاع داخلی باز داشته شوند. اندیشه سعت و حزب و سیاست مدخلقی آن دیگر برای توده های عرب خاندانهای نادر و از لحاظ تاریخی به سقوط خود نزدیک میشود این نویسمونیستهاست که سنان دهند آلتیانی و واقعی و انقلابی هستند. بعضی ها امروز این خطر را بسیار ریش از روز تا سیب حیشان درک میکنند. ما در منال آت بند نشان خواهیم داد که رویونیستهای خائن سوری و عراقی ایس همیالکی های حزب بوده، چگونه به پای نسوس این رژیمها رفته و چه مرات در دنیا کی بسه جستن کمونیستی و انقلابی این دو کشور وارد آورده اند

توضیح درباره کمکهای مالی

هموطنان مبارز، رفقا! سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا تهیه توانست است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتواند بدست ما برساند.

برای اطمینان از اینکه کمکها بتان توسط سازمان دریافت شده، حتما عددی بفرستید، یا دو رقمی و یا سه رقمی (حداکثر سه رقمی) یعنی سوان "کد" انتخاب کرده و همراه با حرفی دلخواه و نیز نام شهر خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید. سازمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰ یا ۱۰۰ و یا ۱۰۰۰ عدد در ۱۰۰۰ برای "کد" یک رقمی، ۱۰۰۰ برای دورقمی و ۱۰۰ برای سه رقمی ضرب کرده و حاصل آن را بمیلیفی که پرداخت کرده اید اضافه نموده و همراه با حرف اول نام شما در تشریه "پیکار" چاپ میکند. به این ترتیب شما مطمئن میشوید که کمک مالی تان در اختیار سازمان قرار گرفته است.

مثلا اگر مبلغ پرداختی ۲۵۰۰۰ ریال و "کد" عدد ۵۸ و حرف اول نام انتخابی شما "T" و نام شهرتان آبادان باشد در ستون کمکهای مالی دریافت شده و در قسمت مربوط به آبادان (A) (۳۰۸۰۰) را ملاحظه خواهید کرد.

۵۸×۱۰۰۰= ۵۸۰۰
۲۵۰۰۰+ ۵۸۰۰= ۳۰۸۰۰

کمکهای مالی دریافت شده

هموطنان مبارز! رفقا!

چون از این پس کمکهای مالی شما در هر شهر به تفکیک در بیکار چاپ میشود از این روزها مست که همراه "کد" و حرف انتخابی خود نام شهرتان را نیز ذکر کنید. پیروز باشید.

شهرکرد	اصفهان
ر- (ج) کارگر ۸۰۰	ج-ع ۲۰۰۰
ر- علی (فرخ شهر) ۱۰۰۰	بروجرد
ر- مادر ۵۰۰	ج-ع ۲۰۰۰
ر- منظم ۵۰۰۰	شیراز
	ر-ت
مبانه	ر- راننده تاکسی - ۳۰۰۰
رفقای هوادار ۳۸۰۰۰	یار
میان دو آب	۱۶۰۰۰
افسانه	تهران
سرباز ۱۲۰۰	رفقای پارک شهر ۲۴۰۰۰
ر- صنعتکار ۵۰۰۰	رفقای دانش آموز
ر- راننده کامیون ۲۰۰۰	(نازی آباد) ۸۰۰۰
ر- کمک راننده ۲۰۰۰	- ۳۰۰۰
	ت- ۶۲۰۰
همدان	سمنان
رفقای هوادار ۵۰۰	ی- ۱۳۱۰۰
کانادا	
رفقای هوادار -	
مونترال ۴۵۰۰۰	

ت	س	ا
۱۴۹۹۰	۴۸۰۰	۵۸۰۰
ک	۵۲۰۰	۲۷۹۲۰
۱۳۰۰۰	ت	ب
۷۰۰۰	۵۰۰۰	۱۷۹۰۰
۴۵۰۰	۷۰۰۰	ج
۸۰۰۰	۶۵۰۰	۱۳۰۰۰
۱۰۷۵۰	۶۰۰۰	ج
م	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۶۵۰۰	۱۱۲۳۰	۳۳۷۰
ی	۶۳۰۰	۶۳۷۰
۱۴۰۰۰	۳۱۰۰۰	ج
۱۷۵۰۰	ع	۲۹۴۰۰
۱۱۱۰۰	۶۰۰۰	۱۶۱۰۰
۱۶۶۶۰	۶۰۰۰	ج
۱۳۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۱۲۰۰
۲۷۰۰	۴۳۰۰	۱۳۰۰۰
۷۰۰۰	ع	۵۸۰۰
۶۰۰۰	۱۳۱۰۰	۱۰۷۵۰
ن	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۳۵۰۰	ف	۲۰۰۰۰
۴۵۰۰	۷۵۶۰	۲۲۰۰۰
۱۰۰۰۰	۶۶۰۰	۴۹۷۰
۱۱۲۴۰	۶۵۰۰	۱۹۰۰۰
۱۲۸۰۰	۱۱۷۰۰	

- (الف ۳۰۰۰۰)
- (الف و م ۹۶۰۰۰)
- (ب ۷۵۰۰۰)
- (ب و ت ۳۲۰۰۰)
- (د ن ۱۰۰۰۰)
- (س ۳۳۳۰۰)
- (ش ل ۷۰۰۰)
- (ع ا ۶۲۰۰)
- (ع ب ۱۰۴۰۰)
- (ع ن ۱۵۰۰)
- (ع ک ۲۴۰۰)

رفیق کاشی ۱۵۰۰۰ ریال
 ر- کارگر مکانیک ۱۰۰۰
 ر- ح-ت (کارگر) ۱۰۰۰
 م- ب (معلم) ۵۰۰۰
 بی نام ۵۶۰
 ر- ف (دانش آموز) ۱۰۰۰
 ر- س ج ۱۰۰۰
 ر- اکبر - م ۲۰۰۰۰۰
 رفیق م، هدیه ات رسید.
 رفیق ف، مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای احداث بیمارستان صحرائی در خوزستان.



"سرگورهای کمانستان اگر سگی ست

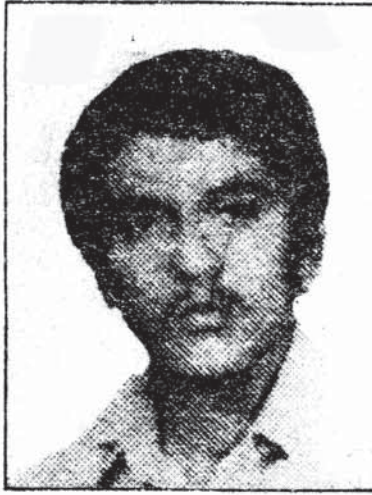
برگیرند
با جسمیای منتظر و گشوده ستان
در کوجه‌ها و خیابانهای گه‌سپارستان
تشیها رزمیده‌اند
ایستبار سبک‌ساز که چو نه اسبوه ما هیان سرخ
در دریای سوده‌ها
در طلب سوما نیهای یادنا آورد
به پیش می‌تسازد
تا بنگرند، این بار

بر هر درخت برهنه
خوشیده است گل‌های سرخ جوان
سرتوک

۲۵ مهر امسال مصافقات با چهارمین
سالگشت شهادت رفیق شهید سیمین تاج (اکرم)
جری سربزی سومین سالروز اعدا هر قسبی
محمد رضا (داود) آخوندی بدست مزدوران رژیم
مزدورشان جلاد .

رفیق سیمین معلم مستمندی بود در مقابل
اسارت سوده‌های زحمتکش خلق فیرا در زم آورد
و به صف مبارزه انقلابیون جان برکف میهن ما
پیوست . رفیق در حرکت با لنده و پیوستگی
مبارزاتی اش به حقیقت ما رکسیم - نینیم ،
جهان بینی بیروزی بخش طبقه کارگر بدست یافته
و در بخش منشعب از سازمان محاهدین خلق تمام
نوان خود را به خدمت گرفت و راه سرخ انقلاب را
باعتوان یک مبارزان انقلابی مخفی دنبال کرد .
رفیق در بخش تکنیکی سازمان فعالیت میکرد و
با استواری و پشتکار آرمونده‌ای تمام امکانات
خود را در خدمت مبارزه سازمانش قرار میداد .
در روزها شکر رژیم مزدور بیلهای امکانات
کسترد هیلنی خود را با ندد هر چه بیشتر جهت
بدام انداختن انقلابیون به خدمت گرفته و
مزدورانش را برای سعید و دستگیری فرزندان
راستین خلق بسیج کرده بود در ۲۵ مهر ۱۳۵۵ رفیق
نیز در محاصره زحیمان فرا گرفت و طی یک درگیری

یادرفقای شهید سیمین جریری و محمد رضا آخوندی راگرامی میداریم



مسلحانه با برابریا رنگارنگ رگلوله‌های مزدوران
ساواک بخون سرخ خود غلطید .

رفیق محمد رضا آخوندی در یک خانواده مذهبی
در تهران بدنیا آمد . پس از طی دوره متوسطه در
دبیرستان علوی در سال ۵۵ به دانشکده پزشکی
تبریز راه یافت . محیط پر شور دانشکده روحیه
مبارزه جویانه رفیق را قوی تر ساخت و همه
مبارزات با وجهت داد . او در جریان مسابقات
انقلابی دانشجویی در سال ۵۲ سوسله مزدوران
ساواک دستگیر شد و پس از طی دوره زندان در اواخر
سال ۵۲ در ارتباط با رفیق شهید مهدی موسوی
- قسی به "سازمان محاهدین خلق ایران" پیوست
در جریان تحول ایدئولوژیک درونی بخشی از
سازمان رفیق سیرا بدیش ما رکسیم انیم به
عنوان تشهارا همای بیروز مندانه برای رهائی
زحمتکشان از یوغ استعمار و استعمار فاعلیست
انقلابی اش را در بخش منشعب از س.م.خ.ا. ادامه
داد و در جارجوب مئی جریکی به مبارزه مخفی
پیوست . رفیق در بخش کارگری و تدارکات
سازمان فعالیت میکرد . در روزهای اول ماه
آبان ۱۳۵۵ رفیق در امقان در دام پلیس ساک
رژیم تها می افتد و با وجود فرار و استفاده از سلحه
بدست مزدوران سرمایه دستگیر میشود و تحت شکنجه
وحشیانه در زخمان در تهران و اصفهان قرار میگردد .
یکی از رفقای هم زنجیر محمد رضا در خاطراتش
از روزهای اسارت چنین می گوید :

"موقعی که رفیق آخوندی را در تاسستان
۵۶ دیدم هنوز آثار شکنجه در کف پایش بهیچود
نیافته بود . در آن زمان مسئله باز دید هیئت
ملیت سرخ از زندان مطرح بود عضدی (جلاد
ساواک) با او صحبت کرده و گفته بود "اگر با ملیت
سرخي ها دربار شکنجهات صحبت کنی پس از رفتن
آنها ترا بر شکنجه خواهم کشت چون بهر حال تو
اعدامی هستی " ولی رفیق به این تهدید توجهی
نکرده و با وجود بیکه و راه به انفرادی منتقل کرده
بودند ، تمام شرایط اختناق و شکنجه را با نشان
دادن آثار شکنجه در بدن خویش ، برای نمایندگان
ملیت سرخ مطلقا بیان کرده بود (این نکته را
خود "هات در بند عمومی میگفتند) . رفیق می -
خواست از تریبون دادگاه برای افشای رژیم و
ساواک و برای دفاع از اهداف انقلابی سازمان

و آلمان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان استفاده
کند . لذا تمام وقت خود را صرف تدوین دفاعیه
میکرد . رفیق دفاعیه اش را که شامل تاریخچه
نفوذ میربا لیم در ایران ، تاریخچه مبارزات
خلق ، و تحلیلی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی
آن روزها و مسائل حقیقت مبارزه انقلابی
بود . روی نکهات غذایی بخش بسیار بر زمین
آن را در یک خمیر بردن جاسازی میکرد که اگر
او را محدود و قبل از "دادگاه" به انفرادی بردند
همراه با وسائل شخصی اش حفظ کند و سپس آن را به
شکلی به "دادگاه" سپرد و آن را در اختیار غیر -
نکاران خارجی قرار دهد .

اما رژیم از "دادگاه" علنی منصرف نشد و
رفیق در "دادگاه" غیر علنی اول به اتهامات
مختلف محکوم شد و دوباره اعدا گرفت در "دادگاه"
دوم چون گذشته از مواضع سیاسی و انقلابی
خود سازمانش دفاع کرد . بار هم همان محکومیتها
تکرار شد و به سلول انفرادی منتقل گشت . و یک
ماه پس از محکومیت در رسیدادگاه دوم ، در سحرگاه ۲۵ مهر
۱۳۵۶ در مقابل جوخه اعدام مزدوران شاه شهادت رسید .

عداقت انقلابی و وفاداریت و روحیه عالی و
تزلزل ناپذیر این رفیق - که تمام هستی خویش را در
راه رها می طبقه کارگر و زحمتکشان گذارده بود -
مرا و همه رفقای زندانی را تحت تاثیر قرار داده
بود و خاطرهای دردناک همزمان زندانی و
توده‌های زحمتکش ایران زنده و جاوید خواهد
ماند . رفیق حتی پس از محکومیت به اعدا مکه در
سین ما بود ، لحظه‌ای هم گرفته و ناراحت نبود
و همیشه چهره‌ای خندان و بشاش داشت .

در سالروز شهادت رفقا سیمین تاج و محمد
- رضا با آنها و دیگر شهیدان راه رها می زحمتکشان
تجدید پیمان میکنیم : رفقا ! بخون سرخشان
سوکند که با یاد او ستوار و با ایمان را سخ به
آرمان رها می بخش طبقه کارگر ، راه گلگون شمارا که راه
سرخ انقلاب بود تا پیروزی زحمتکشان ادامه خواهیم داد .
درود بر رفقای شهید سیمین جریری و محمد رضا آخوندی !

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

شورای عالی دفاع:
تلاش لیبرالها برای تمرکز،
کوشش ولایت فقیه برای
تقویت حزب جمهوری،
و مصالحه‌های دیگر...

**یادداشت‌های
سیاسی
هفتگی**

قراردک‌ها این را با صورت یک پیش‌بینی‌دی
منظم‌کنیم... و ما با ملاحظ یک پیش‌نویس
تهیه کردیم... که البته ایشان تکلیف
فرمودند چیزهایی هم برایش اضافه کردیم
... سیاست تبلیغاتی ما هماهنگی پیدا
بکند، معلوم بشود از چه مرجعی بیروی میکند
این حالتی هم که حالا هست، رئیس جمهور و
فرمانده کل قوا حرف میزنند، دولت تصمیم
نمیگیرد، مجلس بمناسبت اطلاع‌اتی کس
میکرد مطلب عنوان میکند، دست‌ها قضا
بهین ترتیب، اینها با بدیجا جمع میشد
که همه‌آنها با این خاطر داشته باشند، هم
تمرکز باشد... (انقلاب اسلامی ۲۱ مهر)
بدین ترتیب بنی صدرخواهان بوجود
آوردن قدرتی بود که همه و بخصوص حزب جمهوری
اسلامی و ارگانهای تابعه آن اطلاع کنند،
و فکر میکرد در شرایط مخصوص کنونی و بدلیل
احتیاج همه‌جانبه‌ای هیئت حاکمه به ارتش، او
بتواند چنین وضعیتی را تحت رهبری فرمانده
کل قوا بوجود آورد، از طرف دیگر رقیب تازه‌ای
نداشت که این تمرکز را بیازد، منتها میخواست
این تمرکز زیر رهبری لیبرالها باشد، بدین
ترتیب به تمرکز را داد منتها با گرفتن فرماندهی
واقعی کل قوا: از بنی صدر و سردن آن به شورای
عالی دفاع که فرمان ولایت فقیه ترکیب آن
بضرورتی صدر تغییر یافته بود اترکیب قبلی ۴
نقشه در صفحه ۱۸

**دسته‌های گل
بر مزار شهیدان**



روز بیستم ۲۵ مهر ما به مصاف بودیم
چهارمین سالروز شهادت رفیق شهید سیمین
جریری و سومین سالروز شهادت رفیق شهید محمدرضا
احمدآخوندی، اعضای بخش منسب از سازمان مجاهدین
خلق ایران، بدین مناسبت جمعی از رفقا بر
مزار این شهیدان و مزار رفیق شهید تقی شهم
دسته‌های گل نثار کردند، همچنین بیامی از
سوی سازمان به مراسم یادداشت‌ها بود که بر
مزار رفیق سیمین جریری برپا شده بود داده شد
که در آن جمع قرائت کردند، در پایان سازمان
چنین آمده بود:

"رفیق شهید سیمین جریری بمناب به یک
روشنگر انقلابی که همه وجود خود را وقف مبارزه
با امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده شاه خائن کرد،
بمناب به کسی که رها نشی طبقه کارگر را آرمسان
خویش قرار داد و در راه آن عاشقانه جان باخت،
و بمناب به زنی انقلابی و دلیر که در آن سالهای
سیاه خفقان و یاس روشنگران با به عرصه مبارزه
انقلابی گذارد و نشان داد که زنان میتوانند
در نبرد سرنوش علیها امپریالیسم و دشمنان
طبقه کارگر نقش مساوی با مردان ایفا کنند،
همیشه در قلب همزمانش، در قلب زحمتکشان
ایران زنده است.

رفیق سیمین برای زمان زحمتکش و انقلابی
میبین ما، یک سمبل و یک قهرمان است، او که
معلم فرزندان ما در مدرسه بود با مشارکت
فعالانه و فداکارانه خود در انقلاب، در صحنه
نبرد خونین با دشمن نیز فرزندان ما را معلم
بود...

خاطره این رفقا و همه شهدای راه آزادی
طبقه کارگر و زحمتکشان گرامی باد!

**۵ سال زندان
بخاطر فروش کتاب**

چندی پیش یکی از رفقای هوادار هنگام
فروش کتابهای سازمان در قزوین، در محلی که
همه گروههای سیاسی کتاب میفروختند، دستگیر
شد. این رفیق که در اوایل مرداد ماه توسط
پاداران سرما به دستگیر شده بود در هفته آخر
شهریور ماه در قزوین محاکمه شد و با اتهامات
واهی و دروغینی که به او بستند به ۵ سال زندان
درازدان محکوم شد. رژیم حاکم از فروش کتاب -
های انقلابی و آگاه شدن توده‌های می‌راسد و در
قبال انقلابیون همان راهی را در پیش گرفته
که محمدرضا شاه خائن می بیند.

سی آمدنک ایران و عراق، تقویت ارتش و
نیز لیبرالها در هیئت حاکمه بود.

تنها به حکم منظم و نیز استفاده از نیروی
هواشی برای سماران، برنا مه ریزهای جنگی
و... وضعیت سیاسی برای ارتش و لیبرالها که
به ارتش تکیه داشتند، موجود آورد. لیبرالها که
بیش از حکم، عقب نشینی‌های چشمگیری در
مقابل رقیب خود، حزب جمهوری در عرصه انتخاب
دولت داشتند، اکنون با آنکه، به در دست داشتن
فرماندهی کل قوا و همراهی فرماندهان ارتش،
تدرت بیشتری یافته بودند، بنی صدر برای تحکیم
وضعیت خود به ناواری رقیبانش در امور جنگی
تکیه میکرد (بطوریکه حتی بهشتی و رها نشی را
بپرزنان غرغوشی نامیده بود که کسی آنکه چیزی
بدانند، در صدد اطهار نظرند، خاطر ارتش
جمهور، انقلاب اسلامی، به شنبه ۲۲ مهر، داستان
معاصرانی و بیروز و دیوار کج) و ناآرامی بود
که خامنه‌ای را به تضعیف روحیه ارتش متهم
میکند و در خاطر ارتش جمهوری انقلاب اسلامی
۲۱ مهر، رقیبانش را گفتار آن فرصت طلبی می-
نامد که اکنون در خاشاک اند و منظر ندیده میدان
ببینند "و حاصل زحمت لیبرالها و ارتش را برساند
اما یک مسئله در اعمال قدرت لیبرالها، و

ارتش اخلال ایجاد میکرد و آن هماهنگی و
حرف نشنوی ارگانهای زیر رهبری لیبرالها از
آنها بود، بنی صدر در سخنانش به روحانیونسی
اشاره میکرد که بدون داشتن اطلاعات نظامی، سر
خود عمل کرده و به رژیم ضربه زده اند. او خواهان
وحدت در فرماندهی و تمرکز قوا بود منتها زیر
رهبری لیبرالها، بنی صدر این خواست تمرکز
خود را در پامش پس از صدور فرمان ولایت فقیه
مبنی بر تشکیل شورای عالی دفاع جنبش
اعتراف میکند:

"سیاست خارجی ما و تمرکز و یکسانسی‌اش
بسیار اهمیت دارد. سیاست تبلیغاتی ما
هم بسیار اهمیت دارد و روحیه نیروهای ما
هم که در آن محل می جنگند اهمیت دارد. این
است که چند روز پیش که پیش‌ما بودم این
چهار مطلب را با ایشان در میان گذاشتم و

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست